مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

السلام علیک یا صاحب الزمان

مجموعه‌ی همسفران (۴)




مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# زندگی و مبارزات شهید سید عباس موسوی

## دبیرکل حزب الله لبنان

غلامرضا گلی زواره

بسم الله الرحمن الرحیم

# زندگی و مبارزات شهیدسیدعباس موسوی (دبیرکل حزب الله لبنان)

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# زندگی و مبارزات شهیدسیدعباس موسوی (دبیرکل حزب الله لبنان)

## مشخصات کتاب


سرشناسه: گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: زندگی و مبارزات شهیدسیدعباس موسوی (دبیرکل حزب الله لبنان)/ غلامرضا گلی زواره؛ ]تهیه کننده[ مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما.

مشخصات نشر: قم: دفترعقل،مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۹۷ ص. ـ ـ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۵۷)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۵۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: موسوی، عباس، ۱۹۵۲ - ۱۹۹۲م.

موضوع: Musawi, Abbas

موضوع: حزب الله (لبنان) -- سرگذشتنامه

موضوع:Biography -- ( ) Hizballah Lebanon

موضوع: شهیدان-- لبنان -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸گ۸م/DS۱۲۶/۶

رده بندی دیویی: ۹۵۶/۹۴۰۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۰۶۵۶


ص:۱

## اشاره

زندگی و مبارزات شهید سیدعباس موسوی

کد: ۱۵۵۷

نویسنده: غلامرضا گلی زواره (دبیرکل حزب الله لبنان)

ویراستار: جعفر زهیری

تهیه‌کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۵-۵۳-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ / ۹۷۸ -۶۰۰-۵۵۶۳-۵۳-۵ :ISBN

## دیباچه

دیباچه

صدور آموزه های انقلاب اسلامی به سراسر جهان و حمایت از ستم دیدگان یکی از اندیشه های معمار بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله از آغاز نهضت تا واپسین روزهای حیات پربارشان بود. این اندیشه سبب پدید آمدن موج جدیدی از مبارزات مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و کنار نهادن شیوه های مبارزاتی برگرفته از مکتب های شرقی و غربی در جهان شد.

یکی از پی آمدهای مبارک این اندیشه، پدید آمدن جنبش حزب الله در لبنان بود که در مدت کوتاهی توانست افسانه شکست ناپذیری قدرت اسرائیل غاصب را در هم شکند. قدرتی که در مدت شش روز، سه کشور عربی را شکست داده بود، در برابر این جنبش با مقاومت سی و سه روز روبه رو شد و ناچار عقب نشینی کرد. این عزت برای مسلمانان جهان و ملت لبنان حاصل نشد جز در سایه خون شهیدان این جنبش به ویژه رهبران پاک باخته آن که شهید عباس موسوی یکی از بزرگ ترین و شجاع ترین آنان بود. او با خون پاکش این راه را پیش روی پیروان خود گشود و راه عزت را به جوانان غیور لبنان آموخت. پژوهشگر ارجمند آقای غلامرضا گلی زواره آنچه در این نوشتار فراهم آورده، گذری است بر زندگانی پربار آن عزیز سفر کرده. امید است زمینه ای باشد برای آشنایی بیشتر با اسوه های مقاومت و پایداری در عصر حاضر و مایه اتحاد دو ملت ایران و لبنان.

## پیش گفتار

پیش گفتار

جهموری لبنان یکی از کوچک ترین کشورهای خاورمیانه است که ۱۰۴۰۰ کیلومترمربع مساحت و نزدیک به چهارمیلیون نفر جمعیت دارد. این کشور که بیشتر جمعیت آن مسلمان هستند در غرب قاره آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد و از شمال و خاور به سوریه و از جنوب، به فلسطین محدود است.(۱)

کشور کنونی لبنان، بخشی از سرزمین باستانی فینیقیه است که در دوره های گوناگون تاریخی پس از اسلام زیر سلطه حکام اموی، عباسی، صلیبی های اروپا و امپراتوری عثمانی و سرانجام استعمارگران فرانسوی قرار گرفت. به تدریج و بر اثر مبارزات و پایداری در برابر قوای بیگانه، مردم، به ویژه مسلمانان لبنان در برابر قوای بیگانه در سال ۱۳۲۴ش به استقلال رسیدند.

لبنان به شش استان به نام های بیروت، نبطیه، جبل، بقاع، شمال و جنوب تقسیم می شود که این استان ها ۲۴ شهرستان را دربرمی گیرند. مرکز آن بیروت

---

۱- نک: عباس جعفری، گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۳۸۵.

است که حدود یک سوم ساکنان لبنان در آن جای گرفته اند. در بیروت شرقی مسیحیان، و در بیروت غربی مسلمانان سنی مذهب ساکن هستند.

بیشتر شیعیان لبنان در منطقه وسیعی از جنوب لبنان به نام جبل عامل زندگی می کنند. جبل عامل شامل شهرهای نبطیه، مرجعیون و بنت جبیل می شود. همچنین، شهرهای بعلبك و هرمل در شرق و شمال شرقی لبنان و حومه پایتخت، از دیگر نقاط استقرار شیعیان است.

وقتی ابوذر غفاری، یکی از یاران برجسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان عثمان به شام تبعید شد، به جبل عامل رفت و به پراکندن بذر تشیع در آن سرزمین پرداخت. سپس تشیع از این مرکز به جاهای دیگر گسترش یافت. بر همین اساس، می توان گفت هیچ گروهی مگر برخی از مردم حجاز، پیش از اهالی لبنان، شیعه نبوده اند.(۱) البته به دلیل فشار سیاسی امویان، آنان زندگی سخت و پرهراسی داشته اند. روی کار آمدن دولت فاطمیان در مصر و دولت آل حمدان نیز به رواج تشیع در این قلمرو کمک کرده است.

با وجود تمام دشواری ها و نابسامانی های ناشی از سیاست های ضد شیعه دولت ایّوبیان، ممالیك و عثمانی، و رخدادهایی چون جنگ های ویرانگر صلیبی، تشیع در جبل عامل ضربه اساسی نپذیرفت و به حیات فرهنگی و اجتماعی خود ادامه داد و حتی رونق و شکوفایی یافت و خیزش های علمی و فکری خود را آغاز کرد. محمد بن مکی بن محمد بن حامد جزینی، ملقب به شهید اول، در قرن هشتم هجری جنبش علمی مستقلی بنیاد نهاد. از دستاوردهای ارزشمند این اندیشمند شیعی می توان به بارور ساختن نهال

---

۱- مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۷.

تشیع با گونه ای از اندیشه سیاسی اشاره کرد که بعدها به صورت جدایی ناپذیری جزو فقه شیعه قلمداد شد.(۱)

جبل عامل با کاروانی از دانشمندان چون شیخ بهایی، شهید اول و ثانی، سید جواد عاملی، علامه شرف الدین عاملی، سید محسن امین عاملی و... جهان تشیع به ویژه عراق، ایران و سوریه را از فیوضات خود بهره مند کرد.

این منطقه با چنین کارنامه پربار و درخشان علمی و فرهنگی، در طول تاریخ و حتی در دهه های اخیر، به دلیل تبعیض هایی که حاکمان لبنان بر آنان روا می داشتند، در محرومیت اقتصادی و اجتماعی به سر می برد. تا آنکه بنا به توصیه علامه سید عبدالحسین شرف الدین، امام موسی صدر از ایران به لبنان مهاجرت کرد و در عرصه های گوناگون آموزشی، فرهنگی و اقتصادی گام هایی برای محرومیت زدایی از شیعیان لبنان برداشت. متأسفانه در شرایطی که این شخصیت می کوشید تا شیعه را به جایگاه واقعی خویش در لبنان برساند، با توطئه عواملی مشکوک طی سفر به لیبی ناپدید گردید. البته حرکتی که وی آغاز کرد، برخی از شاگردانش همچنان ادامه دادند تا آنکه بعدها نه تنها جامعه شیعه بلکه لبنان را دچار تحول جدی ساخت.(۲)

یکی از شخصیت های اثرگذار در لبنان شهید سید عباس موسوی است. او در حوزه علمیه ای که امام موسی صدر بنیان نهاد، تحصیلات علوم دینی را پی گرفت و ضمن تلاش های آموزشی، با امام موسی صدر ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرد. هنگام اقامت نُه ساله در نجف نیز حلقه وصل شهید صدر با او بود. در همان حوزه، شهید موسوی با شهید شیخ راغب حرب مأنوس شد. سید عباس پس از بازگشت از نجف اشرف، حوزه علمیه «امام منتظر» را در

---

۱- محمدتقی فقیه، جبل عامل فی التاریخ، صص ۳۴ _ ۶۵؛ مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، صص ۶۸ _ ۷۰.

۲- مجله رشد جوان، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۱۵۴، ص ۳۲.

شهر بعلبک لبنان تأسیس کرد. او از همان اوان تلاش، در دو مسیر موازی پیش رفت؛ یکی تهذیب و تزکیه معنوی و اخلاقی و دیگری طریق سیاسی و توجه به نیازهای اجتماعی. در میان پرورش یافتگان محفل وی کاروانی از فضلای روحانی، پزشک و مهندس، استاد دانشگاه و نیروهای مُسلّح را می توان دید.

او برای جلوگیری از تجاوزهای رژیم صهیونیستی و نیز محرومیت زدایی از جنوب لبنان، به همراه دوستان و یاران وفادارش تشکلی با عنوان حزب الله لبنان را با الهام از رهنمودهای امام خمینی رحمه الله و انقلاب اسلامی ایران پایه گذاری کرد که در زمانی کوتاه نه تنها در میان مبارزان آن قلمرو، جایگاه خود را به دست آورد، بلکه این تشکل به تدریج در صحنه سیاسی جامعه لبنان نیز موقعیت ممتازی کسب نمود و در ایجاد جوّ تفاهم و اتحاد و گرایش به سوی همزیستی مسالمت آمیز بین طوایف لبنان، نقش مهمی ایفا کرد. حزب الله که هم اکنون با دبیر کلّی شاگرد برجسته سید عباس موسوی، سید حسن نصرالله اداره می شود، در تمام شئون اجتماعی و فرهنگی لبنان نفوذی بی نظیر دارد. قدرت اثرگذاری آن، دشمنان اسلام، به ویژه رژیم صهیونیستی و مستکبران جهانی به رهبری آمریکا را در رعب و هراس فرو برده است و پیروزی های پی درپی این تشکّل شیعی، عزّت و سربلندی را برای جهان اسلام به ارمغان آورده است.

در نوشتار حاضر که از هفت فصل تشکیل شده است، نگارنده می کوشد جنبه های آموزشی، علمی، فکری و سیاسی شهید عباس موسوی را بررسی و تحلیل کند. امید آنکه مطالب کتاب برای علاقه مندان، سودمند واقع شود و

شخصـیت این سـید شهید را که هاله ای از گمنامی و مظلومی آن را دربرگرفته، به گونه ای جامع به مشتاقان فضیلت و معرفت معرفی کند.

غلامرضا گلی زواره

شهریور ۱۳۸۸

## فصل اول: ولادت، زندگی و تحصیلات

### اشاره

فصل اول: ولادت، زندگی و تحصیلات

زیر فصل ها



### زادگاه و ولادت

زادگاه و ولادت

شهر نبی شیث(۱) از توابع بعلبک لبنان منسوب به حضرت شیث، فرزند حضرت آدم(ع)، است که گروهی از سادات هاشمی و موسوی از گذشته در آن شهر سکونت داشته اند. در سال ۱۳۷۱ هـ .ق برابر با **۱۳۳۱** شمسی در نبی شیث در خانواده ای خوشنام، از پدری موسوی و مادری هاشمی کودکی دیده به جهان گشود که برایش نام عباس را برگزیدند، با این امید که مانند حضرت ابوالفضل العباس، در مسیر فداکاری و شجاعت گام بردارد و همه توان خویش را برای دفاع از حق و ارزش های الهی به کار گیرد.

### فصل رویش

فصل رویش

این خانواده مدتی در شهر نبی شیث ساکن بودند، تا آنکه به ناحیه شیاح، در حومه جنوبی بیروت کوچ و در همسایگی

مسجدی اقامت کردند. گویا برخی عوامل و شرایط دست به دست هم داده بود تا ویژگی های شخصیتی سید

---

۱- شهری تاریخی در شرق لبنان و هشتاد کیلومتری بیروت.

عباس با اثرپذیری از مکارم و فضایل فرستادگان الهی و ائمه هدی آن هم در فضایی که رایحه توحید و عبادت از آن استشمام می شد، شکل گیرد.

سید عباس از همان دوران کودکی، با رشد و رویش زودرس، در میان کودکان محله، ممتاز و منحصر به فرد شد. غیر از تربیت های خانوادگی و شایستگی های درونی، آنچه او را فردی شایسته و شیفته فضیلت، شجاع و دلاور می کرد، انس همیشگی او با مسجد امام حسین(ع) در شیاح و شرکت در مجالس عزاداری سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع)، از کودکی و نوجوانی بود.

از همان روزها رفتارهای او شگفتی اطرافیان را برمی انگیخت. وی شیفته دانش و معرفت بود و با فراست و شهامت خاصی رفتار می کرد، ویژگی هایی که در کمتر کسی به سن و سال او دیده می شد.(۱)

## پاییزی در پانزدهمین بهار

پاییزی در پانزدهمین بهار

آگاهی های مذهبی و تربیت دینی، پویایی سیاسی و اجتماعی زودرسی را در او شکوفا کرد و سبب آشنایی پیش از موعد او با مشکلات و نابسامانی های جهان اسلام شد. در پانزدهمین بهار زندگی خود در سال ۱۳۸۶ هـ.ق برابر با ۱۳۴۶ شمسی و مصادف با ژوئن ۱۹۶۷م. پاییزی برگبار و ناگوار روح سید عباس را به شدت رنجاند. شکست ذلت بار ژوئن ۱۹۶۷م. موسوم به نبرد حزیران، برای او تحمل ناپذیر بود و از این ذلتی که گریبان گیر چندین کشور مسلمان عرب شده بود، رنج می برد. این ضایعه مانند ابری تیره، آن قدر ذهن و دلش را مکدّر کرد که تصمیم گرفت به صف مجاهدانی که در دفاع از

---

۱- «شهادت رهبر میلاد امت»، نشریه حزب الله لبنان، ص ۱۶.

مردم مظلوم فلسطین، نخستین قبله گاه مسلمانان، جان فشانی می کردند، بپیوندد. ظرفیت او در مشاهده شکست اعراب از رژیم اشغالگر قدس، چنان بالا بود که با وجود نوجوانی اش، در پایگاه های آموزشی فدائیان حضور یافت. وی در یکی از تمرین های نظامی و عملیات چریکی که در فلسطین برای آماده سازی برگزار شده بود، از ناحیه پا به شدت مصدوم شد و ناگزیر در حالی که با عصا راه می رفت، صحنه مزبور را ترک کرد. پدرش، سید علی، در این باره می گوید:

در آن حال، من و مادرش به دیدارش در پادگان شتافتیم و او را در حالی یافتیم که بر تختی فلزی و قدیمی به پشت خوابیده بود. پس از سلام و اطمینان خاطر از وضع عمومی او، از وی پرسیدم چگونه قادر است این گونه ناملایمات را آن هم در سن نوجوانی تحمل کند؟ پاسخ داد این راه که مسیر ایثار و خون است، از ما پذیرش سختی ها را می طلبد.(۱)

## در حوزه صور

در حوزه صور

یک سال بعد از آنکه سید عباس در زمینه های رزمی توانمند شد، خود را برای فراگیری علوم اسلامی آماده کرد. او گفته است:

نقطه عطف در گرایش من به کسب دانش های دینی، در سال ۱۳۸۷ ه_.ق بود. در آن موقع در منطقه اوزاعی با امام موسی صدر، در خانه اش ملاقاتی داشتم. از او درباره حوزه علمیه صور جنوبی (مرکز مطالعات اسلامی) پرسیدم و در مورد تحصیل با او مشورت کردم. امام موسی صدر راهنمایی کرد و شوق خاصی در نهادم پدید آورد. پس از این دیدار بی درنگ به آن مرکز آموزشی پیوستم و مطالعات علمی و مذهبی را نزد مربیان و استادانی فاضل دنبال کردم.

---

۱- «شهادت رهبر میلاد امت»، نشریه حزب الله لبنان، ص ۱۸.

به تحصیلاتم در حوزه شهر صور، حتی پس از انتقال آن به حومه صور، ادامه دادم. من جزو اولین افرادی بودم که به این مرکز نوبنیاد راه یافتم. تحصیلات سید عباس در این کانون دو سال طول کشید.

## به سوی نجف اشرف

به سوی نجف اشرف

سید عباس در سال ۱۳۸۸ هـ.ق برای ادامه تحصیل و بهره مندی از برکات حوزه نجف، عازم عراق شد. آشنایان او در این شهر مقدس، از شیفتگی فوق العاده اش در فراگیری معارف اسلامی و مطالعات دینی سخن گفته اند. هوش سرشار، همت والا و داشتن استادانی بلندپایه و دانشور، این جوان مشتاق معرفت را برانگیخت تا دوره های مقدماتی و سطح متداول حوزه را در پنج سال با موفقیت بگذراند، در حالی که این دوران برای طلبه های عادی حدود ده سال به طول می انجامد.

در نجف سید عباس تمام وقت هایش را صرف تحصیل علم و تزکیه درون کرد، به دانش و معنویت دل بست و عاشقانه محضر علما را غنیمت شمرد. روزها هنگام طلوع فجر، به تلاوت قرآن، خواندن دعای صباح و دعای عهد می پرداخت و این سنّت را تا زمان شهادت ادامه داد. سپس به فجریات روی آورد که همراه دوستانش در تفسیر قرآن کریم به مطالعه و بررسی های عمیق می پرداخت. اشتیاق او در فراگیری علوم قرآنی بدان حد بود که برای حضور در درس شهید عبدالمجید حکیم هر روز هنگام طلوع آفتاب، چهارکیلومتر را طی می کرد.

برادر هم درسش گفته است:

سید عباس حتی در سرمای شدید زمستان از فراگیری معارف اسلامی دست برنمی داشت و در این راه آسودگی نمی شناخت؛ هرگز مزه آسایش را نچشید. در حالی که کتاب روی سینه اش بود، خواب می رفت. تعطیلی

پنج شنبه و جمعه در کوشش های تحصیلی او خللی وارد نمی کرد. ایام مرخصی و زمان اعیاد و وفیات مجاهدت های فکری و علمی، او را متوقف نمی کرد. این همت والا و با فراست و درایت، سید عباس را یک روحانی فاضل و گرانمایه پرورش داد.

در کنار درس های حوزه، به فراگیری زبان های خارجی روی آورد و در کلاس های زبان انگلیسی و فرانسه حاضر می شد. شهید سید محمدباقر صدر، هزینه آموزش های مزبور سید عباس را پرداخت می کرد. سید عباس در ایام تحصیل در نجف، هیچ گونه مستمری دریافت نمی کرد، شعارش زهد و فروتنی بدون تظاهر و تکلّف بود. در مدت اقامتش در نجف بر زیارت مستمر امیر مؤمنان علی(ع) وفادار ماند و هرگز از رفتن به کربلا و زیارت بارگاه امام حسین(ع) و دیگر شهیدان نینوا باز نماند. مسیر طولانی بین نجف تا کربلا را غالباً به شوق زیارت، پیاده طی می کرد.(۱)

سید عباس دروس سطح حوزه را در محضر آیات محترم سید محمود هاشمی، شیخ محمدجعفر شمس الدین و سید ابوعلی موسوی فرا گرفت.(۲)

## در محضر شهید سید محمدباقر صدر

در محضر شهید سید محمدباقر صدر

سید عباس وقتی دروس مقدمات و سطح را به پایان رساند، به محضر شهید سید محمدباقر صدر رفت و ضمن کسب فیض از پرتو اندیشه های والای او، با این دانشمند سترگ روابط نزدیک علمی و فکری برقرار کرد. یکی از دوستان هم دوره اش می گوید:

انتخاب متفکر بزرگی چون سید محمدباقر صدر از جانب سید عباس به عنوان مربی و معلم از آن جهت بود که وی در وجود این استاد، حقایقی را که مدت ها در جست وجویش بود، متبلور یافت و او را تجسم بخش اندیشه ژرف و دیدگاه اصولی و صحیح تشیع یافت.(۳)

---

۱- «شهادت رهبر میلاد امت»، نشریه حزب الله لبنان، صص ۲۱ ــ ۲۳؛ نشریه العهد، ۱۳/۳/۱۹۹۲ م، ش ۴۰۳.

۲- محسن کمالیان و علی اکبر رنجبر کرمانی، عزت شیعه، ج ۲، ص ۶۶۳.

۳- نشریه العهد، ش ۴۰۳.

خود سید عباس در این باره می گوید: «شهید صدر پرده از اسلامی عظیم و اندیشه ای آرمانی برافکند. اسلام را به عنوان فکری جهان شمول مطرح کرد؛ اندیشه ای که می تواند مسائل زندگی بشری را در تمام ابعادش دربرگیرد.» در باور او، شهید صدر، هم موضوعی و هم کاربردی با اندیشه های مخالف و معارض اسلام برخورد کرد و دیدگاه های مغایر با معارف دینی را از راه استدلال و برهان باطل کرد. همچنین، ویژگی های علمی اسلام را از خلال جهاد خویش آشکار ساخت و سرانجام، خود را در این راه مقدس قربانی نمود.(۱)

شهید صدر شاگردانی چون شهید سید عباس موسوی را به فهم عمیق تر و فراتر از کلاس های درس و بحث ترغیب می کرد و برای امثال او، مانند پدری مهربان و پرعاطفه بود. از سویی دیگر، مجاهدت های فرهنگی شهید صدر که با بعد سیاسی و مبارزاتی همراه بود، این گونه دانش پژوهان را به وجد می آورد و همین اشتیاق سبب شد، سید عباس و دوستانش با استاد خود پیوندی عاطفی برقرار کنند و چنان به آموزگار و مربی خود اخلاص بورزند که برای افراد عادی شگفت انگیز باشد.

آن روزها که بر اثر طغیان و سرکشی حزب بعث اختناق شدیدی در عراق حاکم بود، سید عباس و دیگر هم دوره های او، تلخ کامی های فرساینده ای را لمس می کردند و در این اوضاع تیره و تار به خانه استاد که در بازار عماره حوالی مدرسه صفیر آیت الله بروجردی قرار داشت، می رفتند

---

۱- سخنرانی شهید سید عباس موسوی در مشغره (بقاع غربی) در ۱۸/۳/۱۹۹۰م در بزرگداشت مقام شهید سید محمدباقر صدر.

و به محضر آن تندیس دانش و تقوا شرفیاب می شدند و به سخنان گهربارش گوش فرا می دادند.(۱)

پس از آن سید عباس مصمم شد با الهام از اندیشه ها و ابتکارهای شهید محمدباقر صدر، فرهنگ تشیع را ترویج و هویت دینی را در لبنان احیا کند. در نجف نیز تلاش های تبلیغی او، شهید صدر را نیز جلب کرد. ازاین رو، مسئولیت های تبلیغی و بسیجی به مناسبت ایام ماه مبارک رمضان و محرّم را بر دوش وی و برادرانش نهاد. آنها برای تعظیم شعائر مذهبی و دمیدن روحی تازه در مفاهیم عاشورایی ــ که به تدریج شکل سنتی کم خاصیت و تقلیدی به خود گرفته بود ــ به لبنان می آمدند.

سال ۱۳۹۸ هـ.ق آخرین باری بود که سید شهید برای گرامیداشت خاطره حماسه آفرینان عاشورا به لبنان می آمد. در همان حال نیروهای سازمان امنیت عراق، برای چندمین بار خانه سید عباس را در نجف اشرف محاصره کردند. آنان قصد داشتند وی را دستگیر کنند که موفق نشدند. همین وضع سبب شد از همسرش، امّ یاسر، بخواهند به سید عباس خبر برساند که به عراق باز نگردد.

سید عباس ابتدا نپذیرفت، ولی با اصرار خانواده و تأکید شهید صدر و به دنبال اوج گرفتن دستگیری های علما و بازداشت های مکرر اهل فضل و طلاب حوزه نجف، پذیرفت که در لبنان بماند و پس از چندی همسرش به او پیوست.(۲)

---

۱- سید کاظم حسینی حائری، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه و پاورقی: حسن طارمی، صص ۶۹، ۸۷ و ۸۸؛ عزالدین سلیم، الامام الشهید محمدباقر صدر...، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- نک: «شهادت رهبر میلاد امت»، صص ۲۳ و ۲۴.

## خوشه چینی از خرمن فقاهت

خوشه چینی از خرمن فقاهت

آیت الله خویی استاد دیگری است که سید عباس در دوره درس خارج فقه و اصول، از محضرش بهره مند شد. حوزه درسی این مرجع نامدار برای سید عباس در چند محور جاذبه داشت:

۱. جلسات منظم، برنامه ریزی و دقت ویژه در امور درسی و صرفه جویی در وقت؛

۲. بیان رسا، شیرین و همراه با مقاصد عالی و نکات عمیق علمی و فکری؛

۳. تحلیل، بررسی و نقد اندیشه های دیگران در زمینه علم اصول؛

۴. مطرح کردن دیدگاه های جدید، ابتکار در مبانی، پژوهش و ژرف نگری و توجه به نیازهای زمان؛

۵. توجه استاد به امور اجتماعی و سیاسی مانند رسیدگی به خانواده های زندانیان، مفقودان و شهدایی که در نبرد با رژیم بعث دچار مشکل شده بودند؛

۶. پرهیز از زندگی مرفه و انتخاب سیری ساده و بی آلایش.

بسیاری از این ویژگی ها دقیقاً در زندگی سید عباس موسوی نیز قابل مشاهده است.(۱)

---

۱- غلامرضا اسلامی، «غروب خورشید فقاهت»، مجله شاهد، بهمن ۱۳۷۹، ش ۳۰۹، ص ۱۴.

## فصل دوم: تلاش های آموزشی و فرهنگی

### اشاره

فصل دوم: تلاش های آموزشی و فرهنگی

زیر فصل ها

تأسیس مدرسه امام منتظر عج الله تعالی فرجه الشریف

جویباری از علم و ایمان

همسری شایسته

شاگردی دانشور و شجاع

### تأسیس مدرسه امام منتظر عج الله تعالی فرجه الشریف

تأسیس مدرسه امام منتظر عج الله تعالی فرجه الشریف

سید عباس پس از نه سال اقامت در نجف، زیر فشارهای سیاسی رژیم بعثی حاکم بر عراق، ناگزیر به لبنان بازگشت و چون رهسپار بعلبک شد، تصمیم گرفت در این شهر مرکزی مدرسه علمیه ای برای فراگیری علوم دینی تأسیس کند تا برای کسانی که امکان رفتن به نجف را ندارند، مکان مناسبی باشد و بتواند تا حدودی اهداف حوزه نجف را تأمین کند.(۱)

بدین منظور، حوزه امام منتظر را در بعلبک بنا نهاد که در منطقه عین بورضای این شهر قرار دارد. این حوزه در ۱۳۹۸ هـ .ق برابر با ۱۳۵۷ شمسی در یک خانه استیجاری فعالیت خود را آغاز کرد و یک سال بعد به ساختمانی در کنار مسجد امام علی(ع) انتقال یافت.

به دلیل گسترش فعالیت ها و استقبال فراوان از این مکان آموزشی و مذهبی، ضرورت داشت این حوزه به ساختمانی مجهزتر انتقال یابد. ازاین رو،

---

۱- برگرفته از سخنان علامه سید محمدحسین فضل الله در مراسم تشییع پیکر سید عباس موسوی در شهر نبی شیث (۱۸/۲/۱۹۹۲م).

ساختمان مناسبی در زمینی به مساحت ۱۳۰۰۰ مترمربع و زیربنای ۴۰۰۰ مترمربع احداث و در روز عید غدیر سال ۱۴۱۲ ه‍ـ.ق در مراسم باشکوهی و با حضور چندین نفر از شخصیت های علمی و فرهنگی افتتاح شد.(۱)

آن روحانی مجاهد با کمترین امکانات مادی در این راه قدم برداشت. در آغاز، ساختمانی را اجاره کرد که محل نگه داری کودکان بی سرپرست بود. در نخستین قدم طلّابی را که از نجف اشرف تبعید شده بودند، گرد آورد و سپس پذیرای دانشجویان جدید گشت. بعد از آن مکانی را در رأس العین بعلبك اجاره کرد. سپس موفق شد مدرسه یکی از احزاب محلی را که مرحوم شیخ حبیب آل ابراهیم بنا کرده بود، به این امر اختصاص دهد. او توانست با درایت و پایداری، بزرگان بعلبك را در نبرد آزادسازی مدرسه و مسجد مجاورش، حامی خویش کند و در این زمینه پیروز شود. همان مکانی که پس از یورش اشغال گران صهیونیست در تابستان سال ۱۹۸۲م به پایگاه مهمی برای فعالیت های اسلامی حزب الله تبدیل شد و بعد از آن به ساختمان های جدیدی که بدان اشاره کردیم، منتقل گردید.(۲)

یکی از همکاران سید عباس درباره برپایی این مرکز مهم علمی و فرهنگی می گوید:

حرکت و پویایی سید، در بنیان گذاری مدرسه امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف، آغاز تلاش های او برای یک تحول مهم فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در جنوب لبنان بود. گویی میان او و امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف پیوندی ناگسستنی وجود داشت. سید با تمام وجودش برای احیای راه امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف زندگی کرد.(۳)

---

۱- آفاق اسلام، دومین اجلاس سراسری مدیران سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ج ۴۱، صص ۵۲ و ۵۳.

۲- «شهادت رهبر میلاد امت»، مجله شاهد، ش ۳۰۹، صص ۲۵ و ۲۶.

۳- از سخنان شیخ محمد بزیک در مراسم سوگواری سید شهید که در نبی شیث (۲۰/۲/۱۹۹۲م) ایراد نمود.

به راستی این گونه بود؛ چرا که هر صبح دم با امام منتظَر تجدید عهد می کرد. پنج روز قبل از شهادتش در آخرین دیدار با عالمان همه گروه های مسلمان، درباره ضرورت ارتباط معنوی مردم با حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف سخن گفت و تأکید کرد:

امت مسلمان سالروز ولادت امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را صرفاً مراسمی سالانه تلقی نکنند، بلکه این مناسبت مهم را محور اساسی زندگی روزانه خود قرار دهند و از نماز فجر تا پایان روز به یاد آن فروغ فروزان، برنامه خویش را تنظیم کنند.(۱)

اهداف سید از تأسیس این دانشگاه دینی و علمی عبارت بود از:

۱. تربیت مبلغان پرتوان، دلسوز و کوشا برای دفاع از حریم تشیع در برابر یورش های فکری، عقیدتی و فرهنگی دشمنان اسلام و قرآن؛

۲. ارشاد و هدایت نسل نوجوان و جوان به سوی تعالیم اصیل، سازنده و رشد دهنده اسلامی و مصونیت آنان در برابر گمراهان و انحراف های عقیدتی و اخلاقی؛

۳. زنده کردن ارزش های دینی، سنّت های اسلامی و شعائر مکتب اهل بیت(ع) در میان شیعیان لبنان به ویژه بقاع و بعلبک؛

۴. ایجاد تحرک و نشاط اجتماعی ـ سیاسی در میان مسلمانان، خاصه شیعیان، در برابر تهدیدهای دشمنان و حفظ هویت دینی.(۲)

## جویباری از علم و ایمان

جویباری از علم و ایمان

سید شهید از حوزه امام منتظر عج الله تعالی فرجه الشریف سر برآورد و تلاش مداوم خود را از دره بقاع آغاز کرد. در مدتی کوتاه حرکت تبلیغی گسترده ای را از این پایگاه

---

۱- از سخنان سید عباس موسوی در بهمن ۱۳۷۰ که به مناسبت فرا رسیدن نیمه شعبان در شهر نبی شیث ایراد نمود.

۲- نک: آفاق اسلام، ج ۴۱، صص ۵۴ ـ ۵۸.

سامان داد که امواجش تمام روستاها و آبادی های منطقه بعلبک ـ هرمل را دربرگرفت. حتی روستاهایی بسیار دورافتاده در شوره زارهای هرمل و دیگر مناطق در عکّار، در شمال لبنان، که هیچ مبلّغی به آنجاها قدم نگذاشته بود و مردمانش پیش از ورود وی با فردی روحانی روبه رو نشده بودند، مشمول این برنامه فرهنگی ـ ترویجی قرار گرفتند. سید شهید همراه طلابی جوان و پرنشاط در ماه رمضان و محرّم، نخستین کسانی بودند که به این نقاط محروم می رفتند.

تعداد زیادی از روحانیان و مجاهدانی که در مناطق مرکزی، جنوبی و غربی لبنان به تبلیغ رفتند، دانش آموخته مدرسه امام منتظر بودند و سید شهید جایگاه مهمی در تربیت و شکوفایی استعدادشان داشت. سید همواره از روستایی به روستایی در حرکت بود. در یک آبادی اقامه جماعت می کرد و در روستای بعدی مناسبتی را گرامی می داشت. با مردم صمیمانه دیدار و گفت وگو داشت. به مشکلات، دردها و تقاضاهای آنان به دقت گوش می داد و آنان را برای رهایی از گرفتاری ها و تنگناها راهنمایی می کرد.

سید عباس موسوی از طریق این پایگاه اعتقادی و فرهنگی، در کنار فعالیت های مردمی، برای تقویت زیربنای فکری و سیاسی نسل جوان، مؤمن و پرتحرک خالصانه گام برمی داشت و علاوه بر بعلبک، کلاس های آموزشی تربیتی فراوانی در روستاها و نقاط دوردست برگزار می کرد. تمام وقت و توجه خود را در اختیار جوانان مؤمن قرار داد. با آنها دیدارهای پرفایده داشت و در گردهمایی های آنان با اشتیاقی بالا حضور می یافت. محبتی پدرانه و عطوفتی مشفقانه بر آنها داشت.

نسل نوخاسته را در فضایی صمیمی، دوستانه و خودمانی از معارف و تعالیم اسلامی بهره مند می کرد و آنان را با سیره، روش و جهت گیری های فرستادگان الهی و ائمه هدی(ع) آشنا می کرد. با جوانان می زیست و این قشر از جامعه را از عمق دل دوست داشت و آنان نیز به وی علاقه داشتند. نهایت توان و همت خود را به کار گرفت تا از آنان انسان هایی مؤمن، با صلابت، شجاع و مقاوم بسازد که هسته اصلی، سازنده و فعال اسلامی را تشکیل دهند.

بهترین پاداشی که خداوند در ازای این همه زحمت و تحمل مشقت به وی عطا کرد، به بار نشستن شکوهمندانه نهالی بود که در قلب های جوانان مؤمن و مجاهد می کاشت؛ برخی از تربیت یافتگان مکتب او در پی رزمی خالصانه به شهادت رسیدند و برخی دیگر در انتظار شهادت برای حفظ مکتب تشیع و دفع ستم و تجاوز مشغول جهادند.

در میان پرورش یافتگان محفل این سید شهید، می توان روحانی فاضل، پزشک، مهندس، استاد دانشگاه و نیروهای مسلح بسیاری را مشاهده کرد. سید عباس در دو مسیر موازی حرکت کرد: خط سازندگی فکری و سیاسی و خط تهذیب، تزکیه درون و خودسازی معنوی و اخلاقی. او با وارستگی و تقوایی که داشت بر شاگردان خود تأثیر شگفتی می نهاد و آثار و انعکاس رفتارهای خویش را در زیرساخت شخصیت ایمانی و جهادی آنان بر جای می گذاشت.

سید شهید همگام با فعالیت های فرهنگی، ارشادی و جهادی، به نگارش و تألیف روی آورد که مهم ترین اثرش علماء ثغور الاسلام فی لبنان نام دارد که در سال ۲۰۰۰ میلادی در انتشارات دارالمرتضی چاپ شده است.

## همسری شایسته

همسری شایسته

سید عباس در همان ایامی که در مدرسه شـهر صور مشغول تحصیل بود، با امّ یاسر، بانویی مؤمن و برخاسته از خاندان سیادت، علم و تقوا ازدواج کرد. این زن از همـان روزهـای نخست آموزش هـا و برنـامه هـای تربیـتی سـید عبـاس را فرا گرفت و سـید تلاـوت قرآن، احکـام شـرعی، نهـج البلاـغه و برخی مبحث هـای منطـق و دیگر دروس را به وی یـاد داد. امّ یاسـر بنـابر علاـقه شخصـی، مطـالعه کتـاب ها و بهره منـدی از معارف و مکارم شوهر شـجاعش، بـدون اتلاف وقت ضـمن اینکه به خودسازی و تقویت بنیان های علمی مشـغول بود، هنگام اقامت در نجف اشرف شرایطی را فراهم ساخت تا سید عباس به دور از نگرانی ها و برخی مشکلات، به درس خواندن ادامه دهد و محضر پرفیض استادان برجسته حوزه این شهر را غنیمت شمارد.(۱)

امّ یاسـر با قناعت و ساده زیستی خو گرفته بود و به تدریـج به جلسه های علمی و فکری شـهیده سـیده بنت الهـدی صدر علاقه منـد شـد و از آنها بهره برد. او کتاب شـرایع و عقاید الشـیعه را از این بانوی فرزانه و ادیب آموخت و از تحلیل های وی درباره اهل بیت(ع)، و برخی مسائل اجتماعی و سیاسی شیعیان استفاده کرد.

بنت الهـدی شـرایط زن معاصـر را بررسـی می کرد و تقلیـد از انـدیشه های غربی و افکار وارداتی بیگانگان را ضایعه ای برای بانوان مسلمان می دانست.(۲)

هـدف واقعی بنت الهـدی از فعالیت های تبلیغی و آموزشـی در خانه و تأسـیس مـدارس الزهرا، پرورش بانوان و ایجاد احساس مسئولیت در آنان

---

۱- من شیخ شهداء المقاومه الی سید شهداء المقاومه...، ویژه نامه نشریه الذکر، ص ۱۶.

۲- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی شهید صدر، ج ۲، صص ۳۲ _ ۳۴.

نسبت به مسائل مسلمانان و نشر حقایق اسلامی بود. تا از این رهگذر، بانوان فرهیخته و مسلمان، نوعی تحول فکری و اثرگذار در جامعه پدید آورند و ضمن تعالیم دینی و علمی از توجه به نیازهای اجتماعی غافل نباشند. بانو امّ یاسر جویبار باطراوتی بود که از این چشمه جاری شد. او وقتی همراه همسرش به لبنان بازگشت، تجربه ها و اندوخته های برگرفته از جلسات و کلاس های پربار نجف را با تدبیر و برنامه ریزی خاصی به کار بست و در شهر بعلبک، حوزه الزهرا را با یاری برخی بانوان مؤمن بنا نهاد تا به زنان آموزش های لازم را بدهد و آنان را برای تربیت نسلی باایمان و شجاع و فعالیت های تبلیغی آماده سازد.

امّ یاسر به این تلاش بسنده نکرد و موقعی که سید عباس مسئولیت های گوناگونی داشت، در خط مقدّم مبارزه با اشغالگران قدس قرار گرفت، هسته های مقاومت تشکیل داد، حزب الله لبنان را به وجود آورد، و با این فعالیت ها به یاری همسرش شتافت. تشکیل هیئت زنان در این مجموعه، رسیدگی به خانواده های شهدای حزب الله و تلاش برای تربیت فرزندان شهیدان، برخی از خدمات او در این راستاست. او در این مسیر چندین بار به استقبال خطرها رفت و در حالی که خود زندگی سختی داشت، برای رفاه خانواده های محروم و مجاهدان، پیوسته و خالصانه می کوشید.

سیره این بانو به گونه ای بود که آشنایان و خویشاوندان، او را زنی اهل ایمان و پارسایی می دانستند و او را همیشه تسلیم اوامر الهی می دیدند. بانویی

که برای رفع ناگواری ها و غم های افراد و برآوردن حاجت ها، فداکارانه دوشادوش شوهرش گام های استواری برمی داشت. آن دو هیچ گاه به رفاه شخصی فکر نکردند، ولی برای کمک به دیگران و اطعام کودکان خانواده های شهدا و مبارزان همواره مصمم بودند و تحمل این همه مشقت برای کسب رضای حق و استشمام رایحه بهشت بود. تقدیر الهی چنان صورت گرفت که سید عباس و همسرش و نیز کودکش با هم به شهادت برسند و هم نشین عرشیان و قدسیان شوند.(۱)

## شاگردی دانشور و شجاع

شاگردی دانشور و شجاع

در حوزه امام منتظر که سید عباس مدیریت آن را عهده دار بود، از ابتدا شانزده طلبه مشغول تحصیل بودند که برخی از آنان عبارتند از: سید حسن نصرالله، شهید شیخ علی کریم، شیخ حسن یاسین و شیخ محمد خاتون. در میان این افراد سید حسن نصرالله برجستگی ویژه ای دارد. وی در سال ۱۳۷۹ ه_.ق برابر با ۱۳۳۹ شمسی در روستای بازوریه در جنوب لبنان به دنیا آمد. شانزده ساله بود که راهی نجف اشرف شد. در بدو ورود، سراغ طلاب لبنانی را گرفت و برخی او را به سید عباس موسوی که نزد شهید صدر درس می خواند، راهنمایی کردند. سید حسن در ملاقات با شهید موسوی تصور کرد وی طلبه ای عراقی است؛ زیرا سیمایی گندمگون داشت. سید عباس در حالی که به گرمی از مهمان خویش پذیرایی می کرد، خطاب به او گفت: «نگران نباش، من هم طلبه ای از روستای نبی شیث در دره بقاع لبنان هستم.»

---

۱- نک: ویژه نامه نشریه الذکر، صص ۱۸ و ۱۹.

این دیـدار سـرآغاز روابط دوسـتانه و صـمیمانه سـید حسن نصـرالله و سـید عباس موسوی بود. در حقیقت، سـید شـهید نه یک دوست و برادر بزرگ تر، بلکه استاد و رفیق راه او نیز شد.

سیـد محمـد غروی از سوی امـام موسـی صـدر در مساجـد شـهر صور به تـدریس اشـتغال داشت. او که از نزدیکان و دوسـتان صمیمی شـهید سید محمدباقر صدر بود، وقتی شوق سید حسن نوجوان را برای عزیمت به نجف و تحصیل علوم دینی دید، در نامه ای خطاب به شـهید صدر او را به ایشان معرفی کرد. سـید حسن این نامه را به سـید عباس داد تا او به اسـتادش بدهد. سید محمـدباقر صـدر وقتی از مضـمون نامه آگاهی یافت، به سـید عباس توصـیه کرد نیازهای سـید حسن را تأمین کند و مسـئولیت آموزش و تعلیم او را بر عهـده گیرد. شـهید صـدر هنگـام دریافت نامه غروی، وضـعیت مالی سـید حسن را جویا شـد. چون او پاسخ منفی داد، شـهید صدر از سید عباس موسوی خواست ضمن رسیدگی به مهمان خود، پول، اتاق، مدرسه، لباس، کتاب و حقوق ماهیانه ای را برایش تدارک ببیند و بر تعلیم و تربیت وی نظارت کند.

شهیـد موسوی بعـد از دریافت رهنمودهای شـهید صـدر، در حق دوست جدیـدش سـید حسن نصـرالله از هیـچ اموری کوتاهی نکرد. در یکی از خوابگاه های حوزه علمیه، نزدیک خانه مسـکونی خود، برایش اتاقی تهیه کرد؛ زیرا سـید عباس متأهل بود و طلابی که تشـکیل خانواده داده بودند، بر خلاف طلبه های مجرد، در خانه های شخصـی و مستقل زندگی می کردند. در اتاق خوابگاه ها، دو یا سه طلبه زنـدگی می کردنـد و از مراجع بزرگ تقلیـد در حوزه آن روز، مانند آیات عظام امام خمینی رحمه الله، شهید صدر، حکیم و شاهرودی شهریه ماهانه می گرفتند.

سید عباس موسوی که چندین سال قبل از سید حسن به نجف آمده بود، در این مدت مرحله سطح و خارج فقه و اصول را با موفقیت پشت سر گذاشت و این مراحل را برای طلاب جدید که سید حسن نصرالله یکی از آنان بود، تدریس می کرد.

موسوی در تدریس، استادی قاطع و جدی بود. شاگردانش با شیوه تدریسش موفق شدند مرحله پنج ساله تحصیلات مقدماتی را در دو سال به پایان برسانند. شاگردان خود را از تعطیلات ماه مبارک رمضان، سفر حج و تعطیلات آخر هفته محروم می کرد و درس می خواندند. سید حسن در سال ۱۹۷۸م / ۱۳۵۷ شمسی / ۱۳۹۸ هـ .ق مقدمات حوزه را با موفقیت تمام کرد. او که رابطه ای صمیمی با سید عباس برقرار کرده بود، هرگز نمی خواست چنین مربی دل سوزی را از دست بدهد. در این سال فشار حزب بعث عراق بر طلاب حوزه علمیه نجف اشرف شدت یافت و بسیاری از آنان به اجبار اخراج شدند. رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق نیز از وجود طلاب لبنانی در عراق به شدت احساس هراس کرد و برخی از آنان را به همکاری با سازمان های امنیتی سوریه متهم کرد.

در آن سال مأموران صدام به حوزه نجف و خانه مسکونی سید عباس موسوی هجوم بردند. عباس در لبنان بود، ولی افراد خانواده اش در منزل بودند و شاگردانش به او خبر دادند که مأموران عراقی در تعقیب و جست وجوی او هستند و از او خواستند به نجف نرود. پس از چند روز طلاب لبنانی دستگیر و از عراق خارج شدند. آن روز سید حسن در بیرون حوزه بود که با شنیدن این خبر، مخفیانه از مرز خارج شد و به لبنان بازگشت.

او قبل از هر چیز علاقه داشت تحصیلاتش را ادامه دهد. پس از مدتی سید عباس با همکاری عده ای از علمای لبنان حوزه ای را در شهر بعلبک تأسیس کرد که همچنان فعال است. سید حسن در این حوزه، هم در سطوح بالاتر درس می خواند و هم به طلاب جدید درس می داد و در عین حال فعالیت سیاسی در جنبش امل را دنبال می کرد. در پی برخی اختلافات، سید حسن نصرالله به همراه تعداد بسیاری از نیروهای درجه اول جنبش امل مثل سید عباس موسوی، سید حسین موسوی (ابوهشام)، شیخ صبحی طفیلی و سید ابراهیم الامین از این جنبش کناره گیری کردند و هسته های اولیه حزب الله را به وجود آوردند.

با شروع مقاومت اسلامی، سید حسن در این تشکل صاحب جایگاه مهمی شد و در کنار مبارزات سیاسی، تحصیلات خویش را در حوزه علمیه بعلبک ادامه داد. به دلیل تعهدی که وی نسبت به حزب داشت و بیشتر وقت خود را صرف پویایی، گسترش و انسجام آن می کرد، تحصیلات خویش را متوقف ساخت. در سال ۱۳۶۸ شمسی برای پیگیری تحصیلات علوم دینی عازم حوزه علمیه قم شد تا دانش اندوزی در علوم عقلی و نقلی را ادامه دهد، ولی به دنبال برخی آشفتگی ها در جنوب لبنان و حساس شدن وظایف حزب الله، به اصرار سید عباس موسوی به بیروت بازگشت. با شهادت سید عباس موسوی، به اتفاق آرای اعضای شورای مرکزی حزب، سید حسن که ۳۲ سال داشت، به دبیر کلی حزب انتخاب شد. مقاومت اسلامی در دوران مسئولیت او، صحنه های درخشانی از شجاعت، پایداری و فداکاری را در راه

حفظ استقلال لبنان و جلوگیری از تجاوزهای رژیم صهیونیستی بر جای گذاشت.(۱)

---

۱- شاهد یاران، مهر ۱۳۸۵، ش ۱۱، صص ۸ _ ۱۲؛ گلشن ابرار، ج ۸، صص ۵۹۰ _ ۵۹۷.

## فصل سوم: سیره سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی

### اشاره

فصل سوم: سیره سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی

زیر فصل ها



### ارتباط با امام موسی صدر

ارتباط با امام موسی صدر

امام موسی صدر بنا بر توصیه علامه سید عبدالحسین شرف الدین در سال ۱۹۵۹م / ۱۳۳۸ شمسی از قم به لبنان مهاجرت کرد. چنین شخصیتی با داشتن نبوغ و سابقه علمی و توان فکری، در حالی به این کشور مهاجرت می کند که ظلم ها، جنایت ها، فقر و فلاکت مادی و فرهنگی بر لبنان سایه ای شوم و ذلت بار افکنده است. او با دیدن این ناگواری ها، به شدت غمگین می

شود. بی درنـگ پس از ورود به لبنان، به منطقه جبل عامل در جنوب لبنان می رود و در شـهر صور، بزرگ ترین شـهر جنوب این سـرزمین اقـامت می گزینـد و امـامت مسـجدی را می پـذیرد. وی در عرض چنـد سـال برای رفع محرومیت از جبـل عـامل چندین مرکز علمی، فرهنگی، آموزشی و حرفه ای تأسیس می کند.(۱)

به گفته حجت الاسـلام والمسلمین غروی، نخستین کسی که در لبنان حوزه ای فعال بنیان نهاد، سید موسی صدر بود که «معهد الدراسات الاسلامیه» نام داشت. آن روحانی والامقام، در این مکان آموزشی شاگردانی چند پرورش

---

۱- مصطفی چمران، لبنان، صص ۶۱ و ۶۲.

داد که برخی از آنان شیخ حسن حریری، شیخ ابراهیم قصیر و شهید سید عباس موسوی نام دارند. سید عباس در معهد یاد شده، از مقدمات تا ابتدای سطوح عالیه (مکاسب و کفایه) را خواند.(۱)

این، نخستین آشنایی سید عباس با کانون امید محرومان لبنان نبود؛ زیرا پدرش سید علی در سال اول ورود آیت الله صدر به لبنان با ایشان ارتباط برقرار کرد. سید علی یکی از اعضای انجمن هاشمی بود و زیر نظر امام موسی صدر فعالیت می کرد، ازاین رو هفته ای چند بار در صور و بیروت به حضور ایشان می رسید. این روابط و شرکت در برخی جلسه های خصوصی سید عباس را با شخصیت، افکار و سیره سیاسی _ اجتماعی صدر آشنا کرد.

هنگامی که سید عباس برای تمرین های نظامی نزد رزمندگان فلسطین به یک اردوگاه آموزشی رفت، از ناحیه پا به شدت آسیب دید. روزی امام صدر با دیدن مشکل او در راه رفتن، علت را از پدرش رسید. پدر ماجرا را توضیح داد. امام صدر از سید عباس پرسید: «تو در این سن از فلسطین چه می دانی؟» او پاسخ داد: «مردمی مظلوم هستند که با فشار غاصبان صهیونیست، از سرزمین خود بیرون رانده شده اند و اکنون در اردوگاه ها زندگی سختی را می گذرانند. دنیا به فریاد آنان اعتنایی نمی کند. فلسطینی ها باید به قدس، خانه و سرزمین خویش بازگردند.» سید موسی پرسید: «فلسطینی ها چگونه می توانند به کشور خویش بازگردند؟» سید عباس جواب داد: «از راه مبارزه و جهاد.» صدر لبخندی زد و گفت: «تو چگونه می خواهی جهاد کنی؟» سید عباس پاسخ داد: «ان شاءالله فنون نظامی را یاد می گیرم، رزمنده ای خواهم شد

---

۱- مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، عزت شیعه، ج ۲، ص ۳۵۱.

و همراه مبارزان فلسطینی به نبرد با اشغالگران ادامه می دهیم تا قدس رها شود.» در پایان این گفت وگوی جالب، امام صدر، سید علی را مخاطب قرار داد و گفت: او یک نوجوان عادی نیست، شایسته است به کسب علم و معرفت اهتمام ورزد، تا استعدادهایش در مسیری درست شکوفا شود. بدین ترتیب، در حوزه امام صدر تحصیلات را آغاز کرد و پس از دو سال به دست امام صدر مُعمّم شد و سپس در حوزه نجف حدود نه سال درس خواند.

هنگام اقامت در نجف نیز سید عباس حلقه وصل آیت الله سید محمدباقر صدر و امام موسی صدر بود. هر سال که به لبنان می آمد، ضمن دیدار با خانواده، هم امام صدر را از برنامه های شهید سید محمدباقر صدر باخبر می کرد و هم از تلاش های ایشان خبر می گرفت تا به سید محمدباقر صدر انتقال دهد. این ارتباط ها گاهی مخفیانه بود؛ چرا که خبر ستم های بعثی ها و فشار سیاسی آنان به علما و طلاب عراق، نمی توانست در حالت عادی گزارش شود و مأموران امنیتی مراقبت های شدیدی به عمل می آوردند که از این برنامه ها آگاه شوند.

یک بار که مردم شیعه عراق بنا بر آداب و رسوم گذشته در ایام محرّم، با پای پیاده از نجف عازم کربلا بودند، هواپیماها، تانک ها، توپ خانه های ارتش بعث به آنان حمله کرد و افراد زیادی را به شهادت رساند. سید عباس بعد از این حادثه غم انگیز مخفیانه به لبنان آمد تا شهید امام موسی صدر را از شرایط آشفته و خونین عراق با خبر کند. سید عباس گاهی برای یک سفر دو روزه عازم لبنان می شد که برای امام موسی صدر نامه ای بیاورد یا نامه های ایشان را به نجف ببرد. این نوع اقدام ها چنان محرمانه صورت می گرفت که حتی خانواده سید از جزئیات آن با خبر نمی شدند. او حتی چندین بار مخفیانه در

نجف به منزل امام خمینی رفت و از امام موسی صدر و شهید محمدباقر صدر به رهبر کبیر انقلاب اسلامی پیام هایی داد.

همین رفتارهای سیاسی سید عباس موجب شد شهید سید محمدباقر صدر از توطئه حزب بعث علیه وی نگران شود. ازاین رو، شخصاً بهای بلیت هواپیما را پرداخت و او را مکلف ساخت همان روز با همان پرواز، عراق را ترک کند و چون شرایط سیاسی این کشور به وی اجازه فعالیت های تبلیغی و اجتماعی نمی داد، هرگز به نجف بازنگشت.

مدیریت حوزه ای که سید عباس بنیان کرد، با ایشان بود، ولی از حمایت های مالی و فکری سید موسی صدر بهره مند می شد. سید عباس از همان اول همراه شانزده طلبه حوزه، در یکی از دوره های آموزشی حرکت المحرومین که امام موسی صدر آن را تشکیل داده بود، فنون نظامی را فراگرفت. آن دوره در اردوگاه جنتا برگزار شد. سید عباس در دفتر یادداشتی که همراه در آن وقایع روزانه را یادداشت می کرد و تمام آنها موجود است، این مسائل را نوشته است.

سید عباس نیروهای تحت تربیت و آموزش خود را به نقاط دوردست لبنان می فرستاد تا اندیشه های سیاسی و فرهنگی سید موسی صدر را برای اهالی آن نواحی و جوانان تشریح نمایند. این افراد در مورد خطرات روزافزون صهیونیسم برای جهان اسلام و نقشه های آینده آنان برای تهاجم به لبنان و تجزیه و ایجاد تفرقه در این کشور، هشدارهایی می دادند و درباره ضرورت مقابله با این غاصبان و جانیان، رهنمودهای فراوانی می کردند. البته شهید موسوی با حرکت المحرومین ارتباط آشکار نداشت و می کوشید کاملاً سرّی مسئولیت هایی را در این تشکل پیگیر باشد. سید عباس، امام صدر را

استاد، مرشد، حامی و پدر معنوی خود می دانست و در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی از او الگو می گرفت و بر این باور بود که امام موسی صدر برنامه هایی پیش گرفته که صهیونیسم جهانی را دچار هراس کرده است و سبب ربوده شدن آن بزرگوار را همین برنامه ها می دانست.(۱)

## شیخ شهید و سید شهید

شیخ شهید و سید شهید

شیخ راغب حرب متولد سال ۱۳۷۲ه_ .ق در روستای جبشیت لبنان بود. او پس از تحصیل مقدمات و مقداری از سطح حوزه، به نجف رفت و فراگیری فقه و اصول را پیش گرفت. او در همین ایام با سید عباس موسوی مأنوس شد. آنچه موجب پیوند دوستی دوران نجف و استحکام روزافزون آن گردید، توافق نظر و وحدت فکری میان شیخ شهدا و سید شهدای مقاومت اسلامی بود.

وجه تمایز شیخ راغب حرب و سید عباس از دیگر علمای لبنان، فقاهت و آگاهی آنان درباره خطر اشغال صهیونیسم و دشمن دانستن آن نبود، بلکه این دو توانایی های علمی و فکری خود را در دانش اسلامی به مدرسه سیّاری مبدل کردند که در میان امت مسلمان به حرکت درمی آمد و احکام دین اسلام را درباره غاصبان و اشغالگران صهیونیستی به آنان آموزش می دادند. همچنین، به دلیل موضع گیری های دلیرانه و بیانات صریحی بود که موجب افزایش آگاهی مردم در مورد خطرهای تهاجم صهیونیست ها به سرزمین لبنان شد و آنان را بسیج کرد.(۲)

---

۱- نک: گفت وگو با خواهر شهید سید عباس موسوی، خانم لیلا موسوی در آذر ۱۳۷۸، در حاشیه چهارمین کنفرانس کلمه سواء در شهر بیروت، عزت شیعه، ج ۲، صص ۵۷۹ _ ۵۸۹.

۲- اظهارات همسر شیخ راغب حرب درباره سید عباس موسوی، نشریه العهد، ۲۱/۲/۱۹۹۲م.، ش ۳۹۸.

شیخ راغب حرب در سال ۱۳۹۴ه_ .ق به دلیل فشارهای سیاسی حزب بعث از عراق به لبنان بازگشت و ضمن ادامه تحصیلات حوزوی، در مدرسه برج حمود به برپایی جلسه های هفتگی برای تربیت جوانان پرداخت. سال بعد عازم روستای الشرقیه گشت و سرانجام از سال ۱۳۹۸ه_ .ق برابر با ۱۳۵۷ شمسی روحانیِ محل زادگاه خودش شد و به فعالیت های فرهنگی و ترویجی پرداخت. با شروع فعالیت حرکت المحرومین به همت امام موسی صدر، در سال ۱۳۵۴شمسی شیخ راغب حرب همراه دوستان و مریدان خویش، همکاری با آن را در منطقه نبطیه آغاز کرد.(۱)

اشغالگران اسرائیلی به نقش شیخ شهیدان لبنان برای بسیج مردم علیه آنان، پی بردند و به همین دلیل بر وی فشار آوردند. سرانجام، در شب جمعه ۲۸ اسفند سال ۱۳۶۱ شمسی منزلش را با زره پوش محاصره کردند و او را دستگیر و به نقطه نامعلومی بردند. بعد از انتشار خبر دستگیری او که امام جمعه شهر جبشیت و عضو هیئت شرعی مجلس عالی اسلامی شیعیان لبنان بود، اهالی این دیار بعد از اعتصاب و تظاهرات، در مسجد شهر تحصن کردند. اهالی نبطیه نیز در اعتراض به این رفتار جانیان اسرائیلی اعتصاب و مؤسسه های مدارس و مراکز تجاری را تعطیل کردند. مردم بعلبک و نیز علمای جنوب لبنان با اعتصاب و تحصن، چنین برنامه ای را محکوم کردند. سرانجام شیخ راغب حرب بعد از هفده روز اسارت روز ۱۴ فروردین ۱۳۶۲ شمسی آزاد شد، ولی صهیونیست ها در پی اجرای نقشه ای شوم و جنایتی هولناک بودند. تا آنکه در ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ در حالی که شیخ راغب حرب پس

---

۱- گلشن ابرار، ج ۸، صص ۳۲۳ و ۳۲۴.

از اقامه نماز و سخنرانی در مسجد جبشیت به خانه اش می رفت، او را به ضرب گلوله به شهادت رساندند.(۱)

بعد از این واقعه، سید شهیدان از شهر نبی شیث در شرق بقاع به سوی جبشیت در قلب جبل عامل حرکت کرد و آنجا مستقر شد. عبایش را بر زمین گسترانید، لباس رزم بر تن کرد و پیشانی بند جهاد بر جبین بست و دور از همسر، کودک و خانواده سنگر دیگری را برای مبارزه با اشغالگران متجاوز آغاز کرد.

در حالی که در دستی قرآن و در دست دیگر تفنگ داشت، پیش رفت. از جایی که شیخ شهید در خون پاک خویش غوطه خورد، حرکتش را آغاز کرد. هنگام عبور از شهرها و روستاهای جبل عامل پایداری و استقامت را در دل مردم این نواحی رویاند تا سربلند و قوی شوند و پیش روند و هرگز به عقب برنگردند، بلکه به مبارزه برخیزند و سستی نورزند، حمله کنند و نگریزند.

از آنجا بود که سید شهید همراه دیگر مجاهدان به راه افتاد و دست های صمیمی رزمندگان را به گرمی می فشرد، بر پیشانی آنان بوسه می زد، اراده شان را مستحکم می کرد و معنویت آنان را رشد می داد. از عاشورا و فداکاران کربلا سخن می گفت تا خروش و خیزش را در میان جهادگران احیا کند. برایشان آیات جهاد و نبرد با دشمنان دین را تلاوت می کرد، از هیچ عملیاتی نمی گذشت و غفلت نمی کرد، در عملیات علمان شومریه، بدر کبرا و برعشیت و نیز دیگر عملیات های رزمی و دفاعی حضوری فعال داشت و در بیشتر این یورش ها، دشمن به وی حمله

---

۱- نشریه شاهد، بهمن ۱۳۷۵، ش ۲۶۱.

می کرد. در عملیات بدر کبرا موضع سید شهید را هدف قرار دادند، ولی در این میان بمبی در سنگرش افتاد که منفجر نشد. به انتقام گرفتن از خون شهیدان، سخت اصرار می ورزید.

از پدر شهید احمد شعیب که فرزندش در عملیات علمان شومریه به شهادت رسید، باید صحت این ادعا را جویا شد. این پدر در اربعین فرزندش، در حسینیه شهر شرقیه در جبل عامل نزد او رفت، در حالی که به تازگی از عملیات بدر کبرا بازگشته بود و سید عباس، پدر آن مجاهدِ به خون خفته را در آ غوش کشید و به سینه فشرد و به او گفت: «هم اکنون جوانان دلیر ما انتقام پسر شهیدت را گرفتند.» سپس فریاد تکبیر همراه با اشک و ناله فضای حسینیه را دربرگرفت و آنگاه که جوانان با شور و شوق خم شدند تا دست سید را ببوسند، با کمال شرم و فروتنی دستش را عقب کشید.

بعد از آن بود که دشمن صهیونیستی به انتقام از عملیات بدر کبرا، با تهاجم به حسینیه، آنجا را بمباران کرد و سید شهید از مردم خواست آن محل را ترک کنند و تا زمانی که مردم تا آخرین نفرشان این مکان را ترک می کردند، حاضر نشد از حسینیه خارج شود.(۱)

## عملیات شهادت طلبانه

عملیات شهادت طلبانه

یکی از برنامه های سید عباس برای ایجاد هراس در قلب صهیونیست ها عملیات شهادت طلبانه بود که از یک سو دشمن را شکست داد و از سویی نیروهای مردم را تقویت کرد. عملیات انتحاری شهید احمد قصیر، ابو زینب و

---

۱- «شهادت رهبر میلاد امت»، صص ۵۳ و ۵۴؛ گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۱۱.

ماجرای انفجار قرارگاه مارین و حرکت های نظیر آنها برای لبنان افتخار آفرید. سپس عملیات از حالت فردی به گروهی تبدیل شـد و عملیات بدر کبرا که بعد از آن صورت گرفت، پیشـرفت های چشـمگیری را در ضـربه زدن به دشـمن متجاوز، به همراه آورد. سـید عبـاس در گفت وگـویی بیـان کرد: بعـد از این عملیـات که گروه تهـاجمی آن چهارصـد نفر بود، مردان، زنـان و کودکـان، گروه گروه بـه اسـتقبال مجاهـدان می آمدنـد و آنـان را تشویـق می کردنـد و بر سـرشان برنـج می افشاندنـد و این، انعکاس وجدان حقیقی مردم است که باید با ارج نهادن به گوهر دل هایشان به این واقعیت توجه کنیم و به راستی که مقاومت اسلامی توانست مردم را در برابر دشمن متجاوز، به روی پاهایشان نگه دارد.

این حرکت ها امت را از مرحله شـکست های پی درپی به پیروزی های افتخارآفرین رسانـد و از مرحله گریز و عقب نشـینی به تهاجم، رشد داد.

سیـد حسـن نصـرالله می گویـد: «آنگـاه که جمعی انـدک بیش نبـودیم، راه مقـاومت اسـلامی را بـا همراهی سـید شـهید بنیـان گذاردیم. برخی راه ما را انتحاری توصیف کردند، در حالی که ما در این مسیر شهادت و پیروزی را در نظر داشتیم».

به گفته او سـید عبـاس بر این بـاور بود که وقتی دشـمن به مـا یورش می آورد، انتظار مقاومت از سوی ما را نـداشت و دلیلش بازتاب عملکردهای اشـتباه برخی گروه ها و احزاب لبنانی و فلسـطینی بود. بـدون شک، از ملتی که دچار ظلم و تجاوز درونی می شود، هرگز انتظار مقاومت بر ضد دشمن خارجی را نمی توان داشت. ازاین رو، باید شرایط حزن انگیز و نگران کننده

مردم را بر اثر سلطه گری های مداوم دشمن اسرائیلی به یاد بیاوریم. این عملیات در مرحله نخست اسرائیل غاصب را در موضع واکنشی قرار داد و سپس مردم رفته رفته درک کردند این گونه نیست که ستم صهیونیست ها تنها گروه های خاصی را دربر گیرد، بلکه بسیار فراگیر است. همچنین، روحیه جدید فضای همراه با عزت و توانمندی های نیروهای خودی را در میان عموم مردم به وجود آورد. بدیهی است انسان هایی که ستمی را احساس کنند، خودجوش وارد عمل می شوند.(۱)

## اقامت در شهر صور

اقامت در شهر صور

در سال ۱۹۸۵م. / ۱۳۶۴ شمسی سید شهید در جنوب و در شهر صور، در محله الرمل نزدیک ساحل مدیترانه اقامت کرد و از آنجا به همه مناطق جنوب می رفت. وحید سوید می گوید: مقاومت در اوج قرار داشت و ستاره سید در حال درخشیدن بود و برای تمام مردم جنوب لبنان پیشوایی دل سوز در تمامی مسائل و دردهایشان، معرفی شده بود.

خانه ساده اش به مراجعان که اغلب جوانان مبارز و مؤمن بودند، آرامش می داد. منزلش مانند کندوی زنبور عسل از طرفی محل استقبال از مجاهدانی بود که حامل رسالت تبلیغی بودند و از جبهه ها می آمدند و از طرفی آنان را که مأموریت های خویش را به پایان برده بودند، وداع می گفت یا هم نشین انسان هایی می شد که از گرفتاری های خود و روستاهای خویش سخن می گفتند. گاه رزمنده ای را تا درب منزلش همراهی می کرد و در حالی که دستی بر شانه اش می گذاشت، برایش دعا می کرد که با سلامتی و پیروزی، از

---

۱- مصاحبه سید عباس موسوی با مجله الوحده الاسلامیه، ش ۶۷؛ «سید شهید از زبان یارانش»، روزنامه العهد، ش ۴۰۳؛ سخنان سید عباس موسوی مندرج در نشریه العهد، ش ۲۰۹ و ۲۳۰.

صحنه های نبرد بازگردد. لحظه ای آرام و قرار نداشت. همواره مشغول بود و با مقاومت اسلامی، همزیستی همه جانبه داشت و تمام وقتش را با آنان می گذرانید.(۱)

سید شهید درباره این اوضاع می گوید:

علاوه بر فعالیت هایم در مناطق دیگر به فضل خدا در این منطقه جنوب با شوقی برخاسته از ایمان کار می کنم و به پاکی و خوش قلبی این ملت بخشنده ای که در همسایگی دشمنی چون اسرائیل زندگی می کنند، در حالی که از جهاد و مبارزه باز نمی ایستند و از سرزمین، انسانیت، شرافت و کرامتشان دفاع می کنند، دل خوشم. پس، از خداوند می خواهم که جهت دستیابی به عزت و بازگردانیدن ارزش های اسلامی به ما و مردم این منطقه توفیق دهد. از خدا می خواهم که در مسیر آزادی قدس و برافراشتن پرچم لااله الاالله ما را توفیق عنایت کند.(۲)

وحید سوید، خبرنگار و روزنامه نگاری بود که در بسیاری از مراحل، سید شهید را همراهی می کرد. او می گوید از سید درباره اقامتش در صور، در نزدیکی ساحل مدیترانه پرسیدم: «آیا اقامت شما در کرانه دریا خطرناک نیست؟ صهیونیست ها قادرند چون ماهی، شما را شکار کنند.» لبخندی بر لبانش نقش بست و گفت: «این ما هستیم که آن متجاوزان را شکار می کنیم، معمولاً از خشکی و ساحل به شکار کردن می پردازند و نه برعکس».

این روزنامه نگار ادامه می دهد آن روز بود که با تمام وجودم و با مشاهدات عینی و ملموس دریافتم که سید عباس موسوی چه انسان شجاعی

---

۱- وحید سوید، «سید عباس آنچنان که شناختمش»، مجله العهد، ۲۱/۲/۱۹۹۲م، ش ۳۹۸؛ مصاحبه با سید شهید، سوید و ندی الحاج، نشریه الوحده الاسلامیه، ۲۱/۲/۱۹۹۲م، ش ۶۷.

۲- گفت وگوی سید عباس موسوی با نشریه العهد، ۲۴ صفر ۱۴۰۸ه_ .ق، ش ۱۷۳.

است و دارای چه اعتماد به نفسی است و چقدر از اطمینان قلبی و آرامش روحی برخوردار است که توفان تهاجم غاصبان و متجاوزان نمی تواند در وجودش تزلزلی پدید آورد و نیز متوجه شدم، چگونه سرنوشتی در انتظارش هست. به خوبی درک کردم که او مانند جدش امام حسین(ع) برای حماسه آفرینی آمده که نتیجه اش شهادت است. می خواهد در میان امت مسلمان آن منطقه، اصلاح و سازندگی و رشد معنوی به وجود آورد و این جامعه مظلوم را از شرارت و ستم صهیونیست ها برهاند و در حد توان، زورگویی ها و خصومت ها را کاهش دهد. او برای دستیابی به این اهداف پاک و مقدس همچنان تلاش می کند، چون چراغی می سوزد و حرارت و نور تولید می کند تا دیگران از این گرمی و روشنایی استفاده کنند. هیچ گاه و به هیچ بهانه ای دست از تلاش برنمی دارد.(۱)

اقامت سید شهید در سرزمین جنوب لبنان همچنان ادامه یافت و او مسئولیت مدیریت، رهبری و نظارت و سازماندهی مقاومت علیه مهاجمان اسرائیلی را عهده دار بود. تا آنکه تندباد جنگ فتنه در آوریل ۱۹۸۸م. به نیروی مقاومت اسلامی تحمیل شد.

متأسفانه برخی آتش افروزان و آشوب طلبان با ایجاد شرایطی، نیروهای مقاومت را با تشکیلات جنبش امل در برابر هم قرار دادند و همین درگیری ها مانع بزرگی در راه گسترش عملیات مقاومت در جنوب لبنان شد و حتی این فاجعه عملیات علیه متجاوزان اسرائیلی را متوقف کرد.

---

۱- وحید سوید، «سید عباس آنچنان که او را شناختم»، نشریه العهد، ۲۱/۲/۱۹۹۲م؛ ش ۳۹۸؛ گفت گو با نشریه العهد، ۲۴ صفر ۱۴۰۸ هـ.ق، ش ۱۷۲.

در طول این اختلافات نیروهای خودی که حدود ده ماه به درازا کشید، دشمن صهیونیستی با سوءاستفاده از فرصت، خود را مجهز کرد و بدین ترتیب مواضع اسرائیل تقویت شد. پیش از اختلافات، مقاومت اسلامی، غاصبان قدس را تعقیب می کرد تا آنجا که ارتش آنتوان لحد را با شکستی مفتضحانه روبه رو ساخت، ولی درگیری های داخلی این مسیر را متوقف کرد.(۱)

## مظلومیت مضاعف

مظلومیت مضاعف

سید عباس موسوی با بررسی های تاریخی و اشاره به میراث علمی و فرهنگی غنی جبل عامل این سرزمین را مربی هزاران عالم، ادیب و مجاهد می دانست که آنان با نام سفیران نور به سرزمین هایی چون عراق، ایران و سوریه مهاجرت کرده اند و موجب شکوفایی علمی و فرهنگی و حتی اقتدار سیاسی این نقاط شده اند. مقاومت دلیرانه شیعیان این ناحیه در برابر تجاوز عثمانیان و استعمار فرانسه نیز ستودنی است. ولی محروم ماندن تحمیلی، بر جبل عامل بسیار تأسف آور است.

سید عباس یادآوری کرد وقتی در منطقه ضاحیه جنوبی تلاش خود را شروع کردیم، استضعاف را در همه چیز دیدیم. این منطقه از نظر امکانات آموزشی، رفاهی و نوع اماکن و وسایل ارتباطی در سطح پایین تری قرار داشت. به همین دلیل، اهالی آن ناگزیر مهاجرت کردند. هنگامی که مهاجران وادی ابوجمیل را در بیروت غربی دیدم، آنجا نیز نهایت محرومیت به چشم می خورد. آنها در خانه هایی زندگی می کردند که خطر ویرانی تهدیدشان می کرد و امنیت لازم را هم نداشتند.

---

۱- گفت وگوی اختصاصی با سید عباس موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۱/۲/۱۳۶۱، ش۲۸۷۸، ص ۷.

سید عباس از بی توجهی دولت وقت لبنان و اهمال کارگزاران این کشور در جبل عامل، به شدت انتقاد کرد و گفت: «چرا باید این مردم مؤمن و مقاوم با آن اصالت های فرهنگی و مذهبی برای تأمین آب آشامیدنی، امکانات بهداشتی و مسائل کشاورزی این قدر دچار مشکل باشند، در حالی که بهترین محصولات درختی و میوه های عالی از جبل عامل برداشت می شود، دولت وقت برخی از اینها را از کشورهای دیگر وارد کرده است. آنگاه هشدار داد ما نمی توانیم در برابر این سیاست ها و برنامه های غلط دولت حاکم بر لبنان خاموش بنشینیم. احساس می شود قصدی در کار است و در ورای این رفتار یک نوع برخورد با مردمی مقاوم دیده می شود که می خواهد کرامت ها و کارنامه درخشان چنین ملتی را نادیده بگیرد».

سپس خطاب به مردم گفت: «به این ادعاها توجه نکنید که می گویند مشکل بودجه داریم. چگونه دولتی (الیاس هراوی رئیس جمهور وقت) در یک جا فقیر و در جای دیگر غنی است؟ بروید برخی جاها را ببینید، چگونه طرح ها شکوفا شده اند. وقتی مردم یک روستای فقیر و محروم مثل برعشیت، عین سوار و قبریخه تقاضای یک درمانگاه می کنند، جواب می شنوند که دست دولت خالی است، در حالی که عده ای در بهترین مناطق ساحلی، صاحب کاخ ها و امکانات رفاهی و ارتباطی فراوان شده اند.

ای مردم! حال که آنان کوتاهی می کنند، بیایید دست در دست هم بدهیم و به ریشه کنی فقر بپردازیم. ما پیرو امامی هستیم که نمی پذیرد در کوفه بخوابد، در حالی که شخصی در حجاز یا یمامه به قرص نانی محتاج باشد. چنان که او به این امر راضی نیست، ما نیز نباید به این محرومیت ها رضایت

بـدهیم، ما همان گونه که پرچم مقاومت و ستیز با متجاوزان صـهیونیست را برافراشـته ایم، با فقر و حرمان و اهمال کاری نیز به مبارزه برخاسـته ایم و به صـراحت می گوییم این مردمی که شـهید دادند و تظاهرات کردند تا موفق شدند اولین شکست را در مبارزه با اسرائیل ثبت کنند، قادرند جلوی چنین تبعیض و بی عدالتی و شکاف آشکار اقتصادی و اجتماعی را بگیرند».(۱)

## استقامت در برابر یک نیرنگ

استقامت در برابر یک نیرنگ

سید عباس حقیقت دیگری را نیز در عرصه های سیاسی برای مردم روشن کرد و گفت: استکبار جهانی درصدد است، لبنان را به پایگاهی برای حمایت از دشـمن صـهیونیستی تبـدیل کنـد و افرادی در رأس نظام سیاسـی این سـرزمین قرار گیرنـد که قادر باشـند سـیاست های امریکا و غرب را اجرا کننـد. قراین زیادی این ادعا را تأییـد می کنـد، وقتی اسـرائیل در سال ۱۳۶۱شمسی /۱۹۸۲م. به لبنـان حمله گسترده ای کرد، تلاش می شـد لبنان مورد پسـند امریکا پایه ریزی شود و نیروهای چنـد ملیتی به بهانه اسـتقرار صـلح و آرامش، برای عملی ساختن این نقشه وارد میـدان شدند. به موازات این توطئه ها برخی مرتجعان منطقه، زمینه را برای مداخله در امور لبنان فراهم ساخته اند تا قدرت های غربی را در این کشور بهتر تثبیت کنند.

سید عباس از اینکه تمام این عوامل می کوشـیدند به مسـلمانان لبنان ستم کنند، رنج می برد و خاطرنشان می کرد مارونی های حاکم، مشکلات واقعی را نادیده می گیرند و هرگاه مسلمانان اصلاحات سیاسی و رفع

---

۱- آخریـن سـخنرانی سـید عبـاس موسـوی در مراسـم بزرگـداشت شـهید شیخ راغـب حرب، روزنـامه جمهـوری اسـلامی، ۲۵/۱۲/۱۳۷۰، ش ۳۷۰۵، ص ۱۸.

تبعیض و ظلم را خواستار شدند، حاضر نشدند این مسئله را بپذیرند و مشکلات لبنان را به حضور فلسطینی ها و سوری ها نسبت دادند. اشغال جنوب لبنان توسط صهیونیست ها را نادیده می گرفتند، ولی می گفتند مسلمانان و مسیحیان باید با هم متحد شوند تا نیروهای سوریه را از این کشور اخراج کنند.

درگیری هایی که در لبنان بین احزاب و فرقه ها صورت می گیرد، بهانه ای برای تحت الشعاع قرار دادن مسئله اصلی یعنی جلوگیری از گسترش مقاومت اسلامی و قیام فلسطینی ها است. استبکارستیزان می خواهند تشنج و ناامنی بر لبنان حاکم باشد تا افکار عمومی را نسبت به قیام مردم فلسطین منحرف سازد و ما باید این نقشه را خنثا کنیم و علیه مزدوران اسرائیل وارد عمل شویم.(۱)

## حامی راستین قدس و فلسطین

حامی راستین قدس و فلسطین

آزادسازی فلسطین از دست غاصبان صهیونیست، عالی ترین هدف برای سید در دوران کودکی بود. او از نوجوانی با موضوع قدس زیست و چشمانش را با شکست سه کشور عربی از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ م. / ۱۳۸۶ هـ.ق گشود و این واقعه به شدت او را غمگین کرد. سید عباس برای تحقق بخشیدن به آرمان پاک خود، تا زمان شهادت که در راه قدس شریف و در حوالی فلسطین اشغالی به وقوع پیوست، همچنان در خیزش و خروش بود و از فعالیت باز نایستاد.

---

۱- گفت وگوی اختصاصی با سید عباس موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۱۲/۱۳۷۰، ش۳۷۰۵، ص ۷.

گروه های انقلابی و اسلامی فلسطین او را ستوده و او را به نام شهید قدس می شناسند و بارها گفته اند سید عباس می گفت فلسطین در قلبش بود. او نیز در قلب فلسطینی ها جای داشت. شهید دکتر فتحی شقاقی، دبیر کل سابق حرکت جهاد اسلامی، گفت: سید عباس یک قهرمان نادر در دوره ای استثنایی است. او همواره اندوه فلسطین، حزن قیام، کودکان و فقرا، غم وحدت، جهاد و تلاش را بر دوش داشت، او را بیش از پیش، فلسطینی یافتم.(۱)

روزی که متجاوزان صهیونیست در سال ۱۹۸۲م. / ۱۳۶۱ شمسی لبنان را محل تاخت و تاز قرار دادند، در حالی که تمام نیروها از شهامت بیان سخن حق و موضع گیری استوار و اصولی باز ماندند، او بر فراز منبرها در مساجد و حسینیه ها خطر غده سرطانی اسرائیل را در منطقه به گوش ها رسانید و به برانگیختن روح ایمانی در دل جوانان مجاهد و پیوستن آنان به صفوف جهاد بر ضد دشمن صهیونیستی مبادرت ورزید. نوک پیکان جهادش را علیه این دشمن خطرناک جهان اسلام نشانه رفت.(۲)

بارها تأکید کرد به همان میزان که باید از شیعیان لبنان دفاع و امنیت، رفاه و آبادانی را به آنان اهدا کنیم، باید برای رفع دشواری های ملت مسلمان فلسطین و آوارگان این سرزمین غصب شده بکوشیم و نباید اجازه دهیم صهیونیست ها به جنایت ها و توطئه های خود ادامه دهند. در این مسیر باید آن چنان از خیزش های خودجوش فلسطینی ها پشتیبانی کنیم که بتوانند در برابر غاصبان به مقاومت خود ادامه دهند و هر گونه همکاری با قیام فلسطین می تواند، توطئه ها را خنثا کند. از سوی دیگر باید به عملیات مقاومت علیه

---

۱- نشریه المجاهد، ۲۱/۲/۱۹۹۲م، ش ۱۲۹.

۲- «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۳۳.

صهیونیست ها ادامه دهیم تا مسلمانان فلسطینی احساس کنند از خارج فلسطین هم حمایت می شوند و تنها نیستند.

برنامه های سیاسی و اجتماعی و کوشش های تبلیغی سید عباس در زمینه همگامی و همراهی با انتفاضه فلسطین به قدری ریشه دار و آشکار شد که حتی مخالفان و دشمنان زبان به اعتراف گشودند و گفتند سید عباس ضمن اینکه می خواهد هویت، استقلال و عزت شیعیان لبنان را حفظ کند، طلایه دار نیروهایی است که می خواهند از تجاوزات صهیونیسم جلوگیری کنند و نیز او می تواند حامی جدی فلسطینی ها باشد.

اسحاق شامیر، از سران صهیونیست، نگرانی خود را از مجاهدت های سید اعلام داشت و موشید آرنز، از سیاستمداران صهیونیست، گفت سید عباس تمام تهاجم های ضد ارتش اسرائیلی را هدایت و نظارت می کند. ایهود باراک، نخست وزیر صهیونیستی، اعتراف کرد ترور سید موسوی نه تنها جلوی مجاهدت های نیروهای تحت امر او را نمی گیرد، بلکه آتش خشم آنان را شعله ور می سازد.(۱)

سید عباس فلسطین را نشانه حقیقی عزت مسلمانان می دانست و هدف او از نبرد با غاصبان، بازگشت این عزت و عظمت به جهان اسلام بود. ابو محمد، نماینده حرکت مقاومت اسلامی در فلسطین، گفته است:

سید عباس دانشمند و مجاهدی نمونه بود که به فلسطین ارادت می ورزید و سرانجام خون پاکش همچون راهنمایی روشن و پرچمی سرافراز در مسیر مجاهدان برای آزادسازی فلسطین بر زمین جاری شد.(۲)

---

۱- نشریه الذکر، ص ۳۱.

۲- سخنان نماینده حماس (ابومحمد) در هفته یادبود سید شهید، ۲۳/۲/۱۹۹۲م.

زمانی که مرتجعان منطقه برای فروش قدس صف می بستند، سید عباس به دفاع از آن سرزمین مقدس برخاست و آنگاه که اسرائیل در روز روشن و با سکوت رژیم های سازش کار عربی و حمایت های بین المللی به جذب مهاجران یهود از روسیه و اروپای شرقی اقدام کرد، سید شهید بر فراز منبرها و به هر مناسبتی فریاد برآورد، اخطار کرد و هشدار داد و مردم را برای رویارویی با این اقدام اسرائیل غاصب فراخواند. آن روحانی مقاوم، با رعایت تکالیف شرعی و الهی خود، با وجود سختی شرایط و شدت فشارها، به مبارزه و پایداری برخاست. وی در این باره می گوید:

برای شکست دادن چنین دشمنی و نابودی توطئه های توسعه طلبانه اش، چاره ای جز جهاد و مقاومت نداریم و مذاکره با این خصم خطرناک، هیچ گونه دستاوردی در پی ندارد. آنچه بر جای می ماند، موضع گیری شیخ شهدا، شهید راغب حرب است که گفته بود: «موضع گیری سلاح است و دست دادن با دشمن، اعتراف است».(۱)

سید عباس در سخنانی دیگر چنین می گوید:

ما ادعا نمی کنیم قادریم به تنهایی به عنوان جنبش مقاومت، اسرائیل غاصب را نابود کنیم، ولی از همان روز اول گفتیم که ما پیوسته خنجری در پهلوی دشمن خواهیم بود و این امتی که خنجرش با گذشتن از قربانی ها و جهاد مستمرش حرکت می کند، به لطف خداوند به گلوگاه آنها خواهد رسید و این واقعیتی است که شهیدان ما را بدان مژده می دهند. همان شهیدانی که روزی افرادی اندک بودند، در میان امت پراکنده شدند و سپس به جریان گسترده ای تبدیل شدند و ان شاءالله ره توشه ای برای قیام امت مسلمان در رویارویی با صهیونیست ها و استکبارستیزان جهانی خواهند بود.

---

۱- نشریه العهد، ۴/۵/۱۹۹۰م، ش ۳۰۶.

سید عباس دریافته بود امتی که سلاح شهادت را بر دوش می کشد، پیروزی را به ارمغان خواهد آورد. امتی که توان و امکانات مادی لازم را برای رویارویی با دشمن ندارد، تنها چاره او به کارگیری همه نیروهایش است و آیا نیرویی قوی تر از توان امتی که شهادت را بر مرگ با ذلت ترجیح داده و آن را با ایمان و اطمینان قلبی برگزیده اند، وجود دارد؟ نیروی مقاومت اسلامی، با شکست انکارناپذیر دشمن در برابر نیروی ملت، این واقعیت را اثبات کرد و این اولین شکست اسرائیل در تاریخ ستیز ملت مسلمان با صهیونیست هاست؛ شکستی که بر اثر آن اسرائیل از سرزمین هایی که به زور اشغال کرده بود، خارج شد. بدین ترتیب، مقاومت اسلامی، امت مسلمان را از مرحله شکست های مداوم به مرحله پیروزی و از مرحله فرار و عقب نشینی، به موضع تهاجمی رساند.(۱)

بعد از این دلاوری های افتخارآفرین، قیام ملت فلسطین به پیشرفت های فراوانی دست یافت و حرکت انتفاضه تا رژیم غاصب نفوذ کرد. قیامی که همگام با مقاومت اسلامی، هر روز ریشه دارتر و گسترده تر می شود و امید و اعتماد جهان اسلام را به خود جلب کرده است.(۲)

## مطیع امام خمینی رحمه الله ، شیفته انقلاب اسلامی

مطیع امام خمینی رحمه الله، شیفته انقلاب اسلامی

سید عباس در مدت اقامت در نجف، که حدود نه سال طول کشید، همواره درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ملاقات هایی با امام خمینی رحمه الله داشت. بر اثر این آشنایی ها و پیوندها، از پرتوهای پرفروغ آن رهبر فرزانه بهره مند شد و

---

۱- برگرفته از سخنان سید عباس موسوی، نشریه العهد، دهم ذی القعده ۱۴۰۸ه‍ـ.ق، ش ۲۰۹.

۲- نشریه المجاهد، ۲۱/۲/۱۹۹۲م، ش ۱۲۹.

آن را در خط مشی خویش و انسجام و رهبری مجاهدان و نیروهای مقاومت به کار گرفت.

هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در ایران، سید شهید با این تحول عظیم و شگفت و رهبر آن مأنوس تر گشت و از جمله اولین حامیان و پیروان امام خمینی رحمه الله شد. او از مدافعان سرسخت انقلاب و ولایت فقیه شده بود. خود را در وجود امام خمینی رحمه الله درآمیخت و حرکت جهادی خویش را در انقلاب اسلامی ذوب کرد. در این راه دعوت استاد شهید خویش سید محمدباقر صدر را پذیرفت. سپس مردم را با این سخن فراخواند: «در امام خمینی رحمه الله ذوب شوید؛ همچنان که او در اسلام ذوب شده است».

در بیاناتی سید عباس تأکید کرد: امام خمینی رحمه الله یاور و مونس ما در تمامی سفرها و عزیمت هایمان بود، خیمه ای بود که زیر سایه اش پناه می جستیم.(۱)

او کوشید بذر محبت امام خمینی رحمه الله و ولایت او را در دل جوانان برویاند و روح امام و انقلاب را در وجودشان بدمد و به آنان راه و رسم وفاداری به رهبری انقلاب اسلامی و خط مشی بابرکتش را آموزش دهد. با ارتحال امام خمینی رحمه الله، سید همچنان به سیره او متمسک بود و مطیع جانشین برحق امام، آیت الله سید علی خامنه ای، باقی ماند. رحلت جانگداز امام، زخمی در قلب سید عباس بر جای نهاد که تا هنگام شهادتش التیام نیافت. او با تأثر می گفت:

خبر ارتحال تأثربرانگیز امام، از اعماق وجود تکانمان داد و احساس کردیم گویا تحولی در هستی به وقوع پیوسته است. آن لحظه ها برایمان با حزن و

---

۱- «امام در قلم فرزندانش»، نشریه العهد (ارگان حزب الله لبنان)، ۲۳/۶/۱۹۸۹م، ش ۲۶۱.

اندوه فراوان همراه بود. لحظه های خشوع برای تجسم روح بزرگی که به سوی خالقش عروج کرد.

در روز وفات امام، در شهر بعلبك با قلبی سرشار از حسرت و چشمانی اشکبار، با او وداع کرد و برای او گریست؛ گریه ای لبریز از درد فقدان او. سید بار دیگر در جمع مردم گفت: «مصیبت، بزرگ است، ولی ما امتی هستیم که با دست های امام خمینی رحمه الله تربیت شده ایم. مؤمنان سراسر جهان شجاعت، کرامت و عزت خود را وامدار او هستند».(۱)

آن بزرگوار مدرسه علمیه امام منتظر عج الله تعالی فرجه الشریف را پایگاه فرستادگان امام خمینی یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرد. همانان که به فرمان امام برای مبارزه با دشمن صهیونیستی و آموزش جوانان مجاهد لبنان و آماده سازی آنان و نیز دمیدن روح مبارزه جویی در میان مردم، آمده بودند و آن بزرگوار از پیشگامان در پیوستن به اولین دوره آموزشی بود. او درباره این تجربه گفته است:

با صراحت به عنوان کسی که فارغ التحصیل یکی از مهم ترین مراکز حوزه علمیه نجف اشرف است، می گویم: آنگاه که به صفوف پاسداران انقلاب اسلامی ملحق شدم و به اولین دوره آنان پیوستم، احساس کردم وارد فضایی از اسلام حقیقی شدم و از آن بهره های فراوان بردم و این تلقی حسن بود به عنوان یک پیشتاز مکتب. پس چگونه است حال جوانانی که به صفوف پاسداران می پیوندند؟

از آن زمان مردم به شکل صحیح بر ضد دشمنان اسلام یعنی اسرائیل و مستکبران جهانی، بسیج و با اصول انقلاب اسلامی آشنا شدند.(۲)

یکی از دوستان و هم رزمان سید عباس می گوید:

---

۱- از سخنان سید عباس در جمع مردمی که در روز ارتحال امام در شهر بعلبک حضور به هم رسانیده بودند، نشریه العهد، ۹/۶/۱۹۸۹م، ش ۲۵۹.

۲- مصاحبه نشریه العهد با سید عباس موسوی، ۲۴/۲/۱۴۰۸ه_.ق، ش ۱۷۳.

به همراه سید شهید با امام خمینی دیداری داشتیم. این ملاقات بعد از یورش اسرائیل به لبنان صورت گرفت. در آنجا سید درباره اوضاع لبنان مطالبی بیان کرد و از شرایط سیاسی ـ اجتماعی این کشور گزارشی شفاهی تقدیم امام کرد و آن بزرگوار در پاسخ به ما گفت: «بر شماست که از صفر شروع کنید، شرایط شما از اوضاعی که ما داریم دشوارتر نیست.» و این بیعت با امام بود که در خاتمه برایمان آرزوی موفقیت کرد و سید شهید با توشه دعای خیر امام راهی لبنان گشت تا با همراهی برخی برادران و جمعی از دانشجویان، هسته اصلی مقاومت را بنیان نهد.(۱)

خود سید در این باره می گوید:

پس از آن دست به کار عملی سیاسی ـ جهادی شدیم و فعالیت خویش را در همه زمینه ها آغاز کردیم. مسیر حرکت در لبنان دگرگون شد تا انقلاب کم نظیری حداقل در سطح منطقه شکل گیرد که به لطف پروردگار و حمایت رهبری انقلاب اسلامی ایران، موفق شد دستاوردهای بزرگ و درخشانی را در عمل تجلی بخشد. به خصوص از خلال مقاومت اسلامی که بعد از ایثارگری ها و دلاوری های فراوان، توهّم شکست ناپذیری دشمن صهیونیستی را به اثبات رسانیدند.(۲)

امام خمینی در ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ برابر با ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۸ هـ. ق برای سید عباس موسوی اجازه ای در امور حسبیّه و شرعیه صادر فرمود که متن کامل آن در صحیفه امام آمده است.(۳)

رابطه امام و سید عباس موسوی البته فراتر از این مجوز شرعی بود؛ چرا که تجربه مقاومت اسلامی لبنان، که سید شهید در پایه گذاری آن نقش

---

۱- «سید شهدای مقاومت اسلامی از زبان یارانش»، العهد، ۱۳/۳/۱۹۹۲م، ش ۴۰۳.

۲- « شهادت رهبر میلاد امت»، صص ۴۱ و ۴۲.

۳- نک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۶۹.

ارزنده ای داشت، از گفتارها و عملکردهای امام اثر می پذیرفت. او بود که در ذهن و دل مجاهدان تحت امر سید، تجلی کرد و راه های کمال و افق های روشنی را به آنان نشان داد.

در بینش امام، مقاومت اسلامی لبنان عبادتی در عرصه های پیکار و دفاع بود، نه در گوشه های انزوا. مقاومت اسلامی درس وحدت و انسجام و هم بستگی ملی و روش ایجاد حرکت میهنی را در مکتب امام آموخت و با تکیه بر ملت و مجاهدان مخلص، از خداوند متعال نصرت و پیروزی را طلب کرد.

مقاومت اسلامی لبنان ثمره اندیشه، افکار، روحیات و نفس گرم امام بود و موفق شد برای امت اسلام کرامت و عزت به ارمغان آورد و سرزمین های اشغال شده را آزاد کند. سید عباس و یارانش با تکیه بر راه امام و با ایمان به اینکه جهاد و مبارزه کوتاه ترین راه برای رسیدن به پیروزی امت و شهادت نزدیک ترین راه وصول مجاهدان مؤمن به لقای پروردگار است، در مسیر فداکاری و جان فشانی گام برداشتند.(۱)

## شهید موسوی و شکل گیری حزب الله

شهید موسوی و شکل گیری حزب الله

با آغاز حرکت امام موسی صدر، تعداد زیادی از جوانان که عضو احزاب گوناگون بودند به حرکت المحرومین و جنبش امل پیوستند، ولی با از دست دادن دو رهبر اصلی این جنبش یعنی امام موسی صدر و شهید دکتر مصطفی چمران، جنبش امل توانایی حفظ وحدت و یکپارچگی نیروهایش را از دست داد.

---

۱- رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی رحمه الله، به کوشش: علی داستانی بیرکی، ترجمه: مهدی سرحدی، ج ۱، صص ۵۴ و ۵۵.

از سویی چرخش ایدئولوژیک برخی عناصر سیاسی امل از مذهب شیعه به سمت حرکت سیاسی لائیک، انگیزه جوانان شیعی را برای پیوستن به صفوف مجاهدان تقویت کرد. مجموعه های متفرق اسلام گرا که بعلبک را پایگاه خود قرار داده بودند، به تدریج دریافتند در شرایط حاضر تنها راه نجات، حفظ وحدت و یکپارچگی است. آنان در اثرپذیری از دیدگاه های سیاسی امام خمینی رحمه الله و در اعتقاد به ضرورت مقابله با اسرائیل، با یکدیگر متحد بودند. ازاین رو، به این نتیجه رسیدند که در شرایطی که ظرفیت لازم برای مبارزه با دشمن خارجی در دیگر احزاب و سازمان های سیاسی وجود ندارد، باید با بهره گیری از تجربه های ایران به فکر ایجاد تشکیلاتی متناسب با اوضاع جاری خود باشند.(۱)

از طرف دیگر در سال ۱۹۸۲م. لبنان به عنوان مرکز یک کشور اسلامی در قلب خاورمیانه، سقوط کرد و به اشغال نیروهای صهیونیستی درآمد. بدین ترتیب، دوران مقاومت نیروهای فلسطینی علیه اسرائیل در خاک لبنان خاتمه یافت. پیش تر، قوای ارتش سوریه نیز از بیروت و اطراف آن عقب نشسته و پشت ارتفاعات بقاع مستقر شده بودند. جریان های ملی، عربی و چپ فلسطینی و لبنانی با نومیدی و سرخوردگی، از صحنه خارج شده بودند.

دولت غاصب صهیونیستی، که هیچ قدرتی را پیش روی نمی یافت و همگان را تهدید می کرد، یکی از متحدان خود را به ریاست جمهوری لبنان گمارد تا هرم قدرت در این سرزمین، شیعیان را زیر سیطره خود درآورد.

---

۱- مهدی علیخانی، «چراغ صاعقه روشن شده است»، روزنامه جام جم، (ویژه نامه دیدار)، ۵/۵/۱۳۸۵، ش ۱۴.

در این شـرایط گروهی از جوانان شـیعه با برنامه ریزی ها و تدبیر و فراست سـید عباس موسوی و برخی از همکارانش، در دره بقاع جمع شدند تا حرکت جدیدی را برای رهایی کشورشان از سلطه اسرائیل آغاز کنند.

این گروه نوپـای مقـاوم، که بعـدها حزب الله نام گرفت، با سازمانـدهی نیروهای شـیعه در مناطق مختلف اعم از بقاع، بیروت و جنوب لبنان، مقاومت علیه اشـغالگران را آغاز کرد. وجه تمایز این تشکل شیعی از دیگر نیروهای مقاومت فلسطینی و لبنانی در چنـد نکته نهفته بود؛ اول آنکه گرایش اسـلامی داشت و ازاین روی شـاخه نظـامی خود را مقـاومت اسـلامی نـام نهـاد و دیگر اینکه مبارزه علیه صهیونیسم را با محوریت دفاع از مردم و توجه به خواسته های آنان اداره می کرد. همچنین حفاظت از جان و مال آنان را در نظر گرفت و حمایت وسیع مردم، آن را آسیب ناپذیر می کرد.

از سوی دیگر حزب الله هیچ گاه در چنبره جاذبه های سیاست داخلی گرفتار نشد و از پذیرش سمت های رسمی دولتی اعم از وزارت وماننـد آن پرهیز کرد تا بی پیرایه به انجام رسالت خویش بپردازد. هرچنـد به منظور فراهم کردن حمایت های سیاسـی برای مقاومت، در اولین انتخابات پارلمانی بعد از جنگ های داخلی سال ۱۹۹۲م. شرکت کرد و وزن سیاسی سنگین و حمایت وسیع مردمی از خود را به رخ دشمنان و مخالفان کشید و یکی از بزرگ ترین فراکسیون های پارلمان لبنان را تشکیل داد.

مناسبات حزب الله بـا تمـام طرف هـای داخلی لبنـانی، روابط استراتژیک با سوریه و ایران، تکیه بر عقل و تـدبیر، به کارگیری علم، معرفت، منطق و سیاست، همگی در خدمت رسالت اصلی آن یعنی مبارزه علیه صهیونیست ها درآمد.(۱)

بـا این همه پرسـش اصـلی این است که چگونه بـا وجود اقلیت بودن حزب الله و فشارهـا، آوارگی هـا و سـختی های زیاد، این مشـکلات را تحمـل کرده است و نه تنهـا توانسـته به حیـات خود ادامه دهـد، بلکه تأثیر عمیقی بر فرهنگ و اجتماع کشورهای اسلامی بگذارد و غاصبان قدس و استکبار را در هراسی عمیق فرو برد؟ پاسخ این پرسش گرچه روشن، بایسته است از دیدگاه دکتر فرانسوا توال که حاصل سال ها مطالعه و پژوهش او درباره تشکّل های شیعه است، استفاده کرد:

۱. اعتقاد به اصل مهدویت: یعنی شـیعه هیچ گاه به وضع موجود تن در نمی دهد و افق نگاه خود را معطوف آرمان شـهری می نمایـد که حاکم آن مردی الهی، پیام آور عدالت، صـلح و امنیت است و تلاش برای فراهم آوردن زمینه های ظهور آن منجی، تلاـش حزب الله را مضاعف می کرد. سـید عباس که نیروی محرکه مقاومت اسـلامی و حزب الله بود، هر صـبح دم با حضـرت ولی عصـر عج الله تعالی فرجه الشـریف تجدید عهد می نمود. به گفته شیخ محمد بزیک، سید شهید با تمام وجودش، فکرش، جهادش و سخنرانی هایش، برای امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف زندگی می کرد.(۲)

۲. اعتقـاد رهبر حزب الله به عاشورا: که بر اساس آن، در راه تحقق آرمان های الهی و مبارزه با سـتم جائران، «چه بکشـی و چه کشته شوی» را عاملی حیاتی در پویایی و ماندگاری دانسته است. سید شهید حرکت خود برای پایداری

---

۱- هادی صبا، «حزب الله لبنان مدافع ایران»، روزنامه همشهری، ۲۴/۵/۱۳۸۳، ش ۳۴۴۶.

۲- برگرفته از سـخنان شـیخ محمد بزیک در مراسم سوگواری سـید شـهید که در شـهر نبی شیث در ۲۰/۲/۱۹۹۲م ایراد کرده است.

در برابر دشمنان متجاوز صهیونیستی را با الهام از فرهنگ عاشورا آغاز کرد. معنویت رزمندگان را با حماسه های کربلا تقویت می کرد. در روضه ها، سخنرانی ها و خطابه ها از مصائب دشت نینوا می گفت و فداکاران لبنان را با دلاوران عاشورایی از طریق اشک و آه و زاری پیوند می داد.

۳. اعتقاد به ولایت و مرجعیت: سید شهید در ترسیم مسیر مقاومت، به پیروی از ولایت فقیه سخت پایبند بود و می گفت سکان هدایت ما به دست آگاه ترین افراد است. این شخص امام خمینی است و پس از او مقتدای ما ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله خامنه ای است.(۱)

حزب الله با تدبیر سید عباس و یاران و شاگردانش با مقاومت، حضور خود را در صحنه عمل نشان داد و حضوری برجسته را در مدتی کوتاه و در خلال عملیاتی جهادی رقم زد. پایبندی عقیدتی این تشکل، او را وادار کرد که اشغالگری را مردود بداند و با غاصبان به نبرد برخیزد. با این روش روشن بود که جهاد را به کارهای دیگر اولویت می داد، ولی دارای خط مشی و رویکردی برای زندگی، در همه ابعاد فراگیر آن بود. هرگز در گرو ه های مبارز نظامی محصور نشد، بلکه در همه بافت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم حضور داشت و به جریانی کاملاً مردمی تبدیل شد.(۲)

تأسیس حزب الله واکنش طبیعی شکست یا ناتوانی دیگر راه های مقاومت بود که با اثرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، در صحنه سیاسی ــ اجتماعی ظاهر شد. این تشکل پس از انجام چند رشته عملیات قهرمانانه و کم نظیر نام

---

۱- نک: فرانسوا توال، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه: علیرضا قاسم آقا، صص ۲۲ ــ ۲۴.

۲- شیخ نعیم قاسم، حزب الله لبنان، خط مشی، گذشته و آینده آن، فصل هفتم.

خود را به طور رسمی اعلام کرد و در رأس آنها عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر در ۱۱/۱۱/۱۹۸۳م. صورت گرفت.

سید عباس که از بنیان گذاران برجسته حزب الله است، از همان آغاز توجه همگان را به نبوغ، علم، اخلاص و جهاد خود جلب کرد. او کوشید ارزش های ایثار و فداکاری و آگاهی زودهنگام درباره صف آرایی دشمنان و دوستان را در ذهن و ضمیر نیروهای مقاومت و حزب الله شکوفا کند.(۱)

سید عباس موسوی که مدتی عضو شورای رهبری حزب الله لبنان بود، توانایی فوق العاده، دیدگاه های انقلابی، روحیه سرشار از اخلاص و صفا، برخوردهای واقع بینانه و مردمی بودن و زندگی زاهدانه و تلاش شبانه روزی، او را به مقام دبیر کلی حزب الله رساند و تا زمان شهادت این وظیفه را عهده دار بود.(۲) در این مدت، حزب الله به موفقیت ها و پیروزی های درخشنده ای دست یافت به گونه ای که شخصیت های علمی و فکری لبنان، سوریه و برخی رجال برجسته جنبش مردمی فلسطین، اعتراف کردند که رزمندگان مقاومت اسلامی جنوب لبنان، الگوی مناسبی برای مبارزان فلسطینی در نبرد با رژیم صهیونیستی هستند.(۳)

آری کارنامه عزت بخش و همراه با مباهات حزب الله و صفای باطن دبیر کل آن یعنی شهید سید عباس موسوی چنان موجب پیشرفت این تشکل شد

---

۱- شاهد یاران، مهر ۱۳۸۵، ش ۱۱، صص ۱۱، ۵۰ و ۵۱.

۲- احمد ساجدی، مشاهیر سیاسی قرن بیستم، ص ۴۲۶؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸/۱۲/۱۳۷۰، ش ۳۷۰۸، ص ۱۸.

۳- گفت وگوی کیهان با پنج شخصیت سیاسی منطقه درباره پیروزی های حزب الله لبنان، کیهان، ۱۲/۳/۱۳۷۹، ش ۱۶۵۸۱، ۱۲.

که از یک سو توانست تشکیلاتی مقتدر، صاحب نفوذ و اثرگذار در تصمیم گیری های مهم لبنان شود و از سوی دیگر محافل سیاسی، سازمان های منطقه، بین المللی و جهانی را به سوی خود جلب و تحلیل گران را به شگفتی دچار کند. حتی دشمنان اعتراف کرده اند خستگی ناپذیرترین گروه مخالف رژیم صهیونیستی، حزب الله است.

تخلیه اراضی اشغالی جنوب لبنان از نیروهای مسلح صهیونیستی که یک شکست بزرگ سیاسی بود و افسانه شکست ناپذیری رژیم غاصب را با ملل اعلام کرد، جز با دست توانای سلحشوران حزب الله و حمایت شیعیان لبنان ممکن نبود.(۱)

## همدردی با مسلمانان جهان

همدردی با مسلمانان جهان

سید عباس در همان دوران زندگی در نجف، برای چاره اندیشی برخی مشکلات کشورهای اسلامی به پا خاست و انجمن هفتگی تشکیل داد که در آن با بعضی از برادرانش اجتماع می کرد. آنان طی جلسه هایی منظم و هدف دار، اوضاع سیاسی ـ اجتماعی و مسائل فرهنگی و ارتباطی امت مسلمان از جنوب افریقا تا شرق آسیا را مطالعه و بررسی می کردند.

سید حتی آنگاه که به شهادت رسید، حتی اندوه مسلمانان الجزایر و آسیای مرکزی و قفقاز را با خود همراه داشت. در حالی کشته شد که در چشمانش اشکی بر مسلمانان مظلوم برمه (میانمار) جمع شده و غم افراد مسلمان سرزمین کشمیر قلبش را در فشار قرار داده بود.

---

۱- احمد نادری سمیرمی، لبنان، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ فصلنامه حضور، ش ۳۲، ص ۲۵۹؛ نشریه الوحده، ش ۲۳۷؛ مصاحبه سید حسن نصرالله با مجله الوسط، ش ۴۳۵.

در زندگی کوتاه ولی پربارش، با مسلمانان چهارسوی جهان پیوند داشت و از آنان در منزلش به گرمی و با اشتیاق استقبال می کرد. از هر کجا که آمده بودند با آغوش باز می پذیرفت. گاه نیز در سنگرهای جهاد، به دیدارشان می شتافت. به رفع گرفتاری های امت مسلمان از آزادی گرفته، تا استقلال، عزت و اتحاد، صادقانه و خالصانه اهتمام می ورزید.

اصرار داشت در قلب و کانون واقعیت های تلخ و شیرین و فراز و فرودهای جهان اسلام قرار گیرد و در این راه از تمام امکانات فکری، تبلیغی، قلبی و روحی، تأیید زبانی و مادی و اقدام های عملی در موقعیت های پیشگامی در جهاد، دریغ نمی ورزید. چنان که در پاییز سال ۱۳۶۲ شمسی برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی رژیم بعثی، در عملیات فجر شرکت جست تا سرانجام به درخواست امام خمینی رحمه الله و بنا بر اتفاق نظر مسئولان امر به لبنان بازگشت؛ چرا که صحنه های نبرد در جنوب این کشور بیش از جبهه عراق به او نیازمند بود.

سپس به سرزمین های پاکستان، کشمیر و افغانستان رفت و در کنفرانس های سیاسی، فکری و فرهنگی در تهران، اسلام آباد، دمشق، آلمان و لبنان حاضر شد. در اجتماع ها و گردهم آیی هایی که درباره موضوع فلسطین، جامو و کشمیر یا هم بستگی با مسلمانان انقلابی در الجزایر، مراکش، تونس، مصر و عراق یا دیگران منعقد می شد نیز حضوری مداوم و فعال داشت.

از طریق فعالیت های نظامی، سیاسی و ترویجی، به شبکه ارتباطی مهم و بزرگی پیوست و با برجسته ترین رهبران اسلامی و انقلابی در جهان عرب،

دنیـای اسـلام، افریقا و خاورمیانه و نیز کسانی که به او احترام بسـیاری می گذاشـتند، ارتباط برقرار کرد. در آوریل ۱۹۹۸م. از علامه شـهید سـید عارف حسینی، رهبر شیعیان پاکستان، استقبال کرد و او را در بازدیدی که از برخی روستاهای درگیر جنگ در بقاع غربی و جبل عامل و بسیاری از محورهای مقابله با دشمن صهیونیستی به عمل می آورد، همراهی کرد.

تنهـا یک هفته پیش از شـهادتش، در مرکز حزب الله، یکی از سرشـناس ترین علمای افریقا را به حضور پـذیرفت و بین این دو نفر مـذاکرات مفصل و جامعی در مورد تنگناهای مسـلمانان قاره افریقا رد و بدل شد و سـید شـهید وی را به برانگیختن عوامل پنهان و نیروهای خفته در امت و شـکوفا ساختن توانایی های آنان در راه درمان دردها و اصلاح امور فراخواند و شیخ افریقا را با این گفته وداع گفت که راه اسـلام با سـختی و مشـقت همراه شـده و نبایـد توقع داشت که انسان در مسـیر فارغ البال زندگی کند.(۱)

## در سرزمین پاکستان و کشمیر

در سرزمین پاکستان و کشمیر

در ۲۱ مارس ۱۹۹۰م./ ۱۳۶۹ شمسی سید عباس موسوی در رأس هیئتی از نیروهای حزب الله، برای شرکت در اولین کنفرانس بین المللی کشمیر که به دعوت نهضت اجرای فقه جعفری، در پاکستان برگزار می شد، رهسپار اسلام آباد گردید و در آنجا با استقبال گرم دست اندرکاران کنفرانس و بسیاری از شخصیت های سیاسی و رسمی روبه رو گشت.

در آن کنفرانس سـخنان سـید شـهید بر فضای جلسه تأثیر ویژه ای گـذاشت، به گونه ای که بر اعتبار آن محفل افزود. سـید در بیاناتی آتشین،

---

۱- گلشن ابرار، ج ۵، صص ۵۰۸ و ۵۰۹؛ «شهادت رهبر میلاد امّت»، صص ۶۵ _ ۶۸.

ولی مستند و منطقی، از ریشه های معضلات و مسائل آزاردهنده مسلمانان سخن گفت. او بیان کرد مشکل اساسی که مسلمانان جهان از آن رنج می برند، تعیین نبودن حق سرنوشت و قدرت تصمیم گیری در اموری است که باید در دست آنان باشد که امید می رود با اهتمام امت مسلمان، به این حق مسلّم دست یابند.(۱)

حضور سید شهید در پاکستان چنان غیرمنتظره بود که امریکایی ها را متحیر کرد؛ زیرا این سفر و دعوت، خارج از محدوده برآوردها و برنامه های آنان بود. بعد از پاکستان سید بنا بر دعوت رئیس کشمیر آزاد، سردار عبدالحی قیوم از وی، به دیدار این بهشت زخم خورده جهان اسلام شتافت و طی آن، از اردوگاه های مهاجران کشمیری در منطقه آباد دیدار کرد و از اوضاعشان باخبر شد، نیروهایشان را تقویت و آنان را در استمرار استقامت، مبارزه و دفاع تا مرز پیروزی تشویق کرد.

سید به آنان گوشزد کرد از شورای امنیت، سازمان ملل و برخی مجامعی که مدعی دفاع از حقوق بشر هستند، نباید انتظار داشته باشید بیایند سرزمین شما را آزاد و استقلال و هویتتان را تثبیت کنند. این دل های سرشار از ایمان، دست های پرتوان و تفنگ ها و شهدای شما قادرند این رهایی را به شما هدیه کنند. با یکدیگر متحد شوید، یکدیگر را دوست بدارید و به یاری هم بشتابید. ما هم تا آخرین نفس به خاطر تداوم و استمرار این راه درست همراهتان هستیم.(۲)

---

۱- نشریه العهد، ۵/۴/۱۹۹۰م، ش ۳۰۲.

۲- نشریه العهد، ۱۹/۴/۱۹۹۰م، ش ۳۰۴.

سپس مبارزان کشـمیری دل هایشان را به سوی سـید گشودند و مشـکلات و دردهای خویش را با او در میان گذاشـتند و او را در آغوش گرفتنـد. وی نیز بر شانه هایشان دست نهاد و گفت: به خـدا توکل کنید، عزمتان را اسـتوار نمایید، ما نیز همراهتان و در کنارتان هستیم.

به اردوگـاه هـای آنـان سرکشـی و بر تـک تـک نیروهای کشـمیری سـلام کرد و از اینکه آنان برای به دست آوردن اسـتقلال سرزمین خویش مصمم هستند، شادمان شد. به سادگی و عاری از هرگونه تکلف، با آنان سخن گفت و تأکید کرد:

آمـده ایم در کنارتان و در تأیید قیام مبارکتان در برابر اشـغالگران هندی. به سویتان آمده ایم تا دست هایمان را در دست های شمـا قرار دهیم و جـان هایمـان را با جان های شـما و صـدایمان را به فریادهایتان پیونـد زنیم. باشـد که به شـرایط جهادی تمام مسلمانان در سراسر جهان استحکام بخشیم.(۱)

سید از رادیوی کشمیر آزاد در شهر مظفرآباد پیامی برای مردم کشمیر اشغالی ارسال کرد که در آن آمده بود:

از اینکه مردم مسلمان و مجاهدان کشمیر ستم دیده را مورد خطاب قرار می دهم، سرافرازم. با تمام وجود امیدوارم با همکاری تمام مسـلمین موفق به یاری رسانیدن به شـما برای رهایی از اشـغال گری و سـلطه هندوها شویم؛ زیرا که این ضایعه قضیه تمام مسـلمانان است. آرزو دارم در مواضع خود آزادگی و عزت را حفظ کنیـد. دشـمن می خواهـد اراده و اقتدار شـما را به تحلیل ببرد. ای ملت کشمیر چنانچه با خدا باشید، علیه متجاوزان کافر، قوی و استوار

---

۱- نشریه العهد، ۱۲/۴/۱۹۹۰م، ش ۳۰۳.

خواهید بود. به خداوند توکل کنید، در این صورت پیروزی را در آغوش خواهید کشید.(۱)

این پیام که با شور و هیجان خاصی توأم بود، اثر بسزایی در مردم کشمیر بر جای نهاد، به شیوه ای که در پاسخ به ندای سید عباس موسوی، در آن روز خیابان های کشمیر اشغالی شاهد درگیری های گسترده ای میان مسلمانان و اشغال گران هندی گردید و سید در میان خداحافظی پرشور ملت این سرزمین، رهسپار افغانستان شد.

او بعد از ملاقات با بیشتر رهبران و رؤسای گروه های مجاهد افغانی، در حالی که با همراهی آنان به سوی این کشور رنج دیده در حرکت بود، آنان را به اتحادی فراگیر برای رسیدن به هدفی بزرگ و مهم فراخواند. او یادآور شد دیدارم از پاکستان و کشمیر کامل نبود. اگر به دیدار برادران مجاهد و هم پیمانم در کوه های افغانستان که بر ضد اشغالگران روسی در ستیزند، موفق نمی شدم، به دلیل شرایط دشوار و ناآرامی های جوّی بود. سید عباس نتوانست وارد عمق کشور افغانستان شود و بنا بر اضطرار، از برخی پایگاه های مجاهدان دیدار کرد که با احترام و تجلیل بسیار، از وی استقبال و با همان گرمی بدرقه اش کردند.

در پایان سفر، سید از منطقه پاراچنار پاکستان که قلمرو شیعه نشین است، دیدار کرد. پیکر علامه سید عارف حسین حسینی که در شامگاه سیزده مرداد ۱۳۶۷ تروریست ها او را به شهادت رساندند، در این مکان دفن شده بود. سید عباس بر سر مزارش حاضر گردید و فاتحه ای نثار روح آن روحانی

---

۱- نشریه العهد، ۱۸/۵/۱۹۹۰م، ش ۳۰۸.

دانشور و والامقام کرد، مراتب تسلیت خویش را به خانواده، دوستان و شاگردانش ابراز داشت و نقش پیشاهنگ و پیشتاز بودن او را در راه ریشه کن کردن ستم و تجاوز و به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام ستود و گفت: «به راستی شهادت زیبنده چنین بزرگ مردانی است که حیات پربرکتشان در گسترش معرفت و نشر حقایق اسلامی و مبارزات سپری گردیده است».

آنگاه شیعیان آن منطقه همان گونه که سید را عاشقانه استقبال و تکریم کرده بودند، بدرقه کردند و او آنجا را ترک گفت و عازم لبنان شد تا به قافله بزرگ شهیدان بپیوندد.(۱)

---

۱- نک: یادواره علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، صص ۵۶ و ۸۴؛ «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۷۴.

## فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی و ویژگی های شخصیتی

### اشاره

فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی و ویژگی های شخصیتی

زیر فصل ها



### اسوه ایمان، علم و عمل

اسوه ایمان، علم و عمل

سید عباس بر اثر استعداد درونی، همت والا، اراده ای مصمم، زیرکی و هوش خود و تلاش استادانش به سرعت مراحل علمی و آموزشی را سپری کرد و در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال، به توانایی های ارزشمندی دست یافت. او همزمان با این کوشش های معرفتی، از معنویت و خودسازی و تهذیب نفس غافل نبود، چنان که در خلق وخوی و خصال شخصی به درجه هایی از کمال رسید.

در همه حالات و مراحل زندگی و نیز تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی، اعلام مواضع و برنامه های تبلیغی، کوشید خود را فانی در حق کند و از خواسته های شخصی و علاقه های انفرادی بپرهیزد و چون خالصانه و با انگیزه ای صادقانه مسیر کمال را درمی نوردید، صفات پسندیده و فضایل عالی در اعماق وجودش جوانه زد و به شکوفایی رسید.

شیخ حسن سلیمان می گوید:

آنچه را من در سید عباس دیدم، مواظبت و جدیت وی در عبادات و انجام فرایض و نوافل بود. هنگامی که در مقام مسئول

مرکز مقاومت در مناطق

حساس و خطرناکی در منطقه صدیقین مشغول انجام وظایف خطیری بود، در دل شب دیدم نماز شب می خواند. در حال سجده سر به خاک نهاده و به شدت می گرید و در آن حالت، آرامش شگفتی داشت. مکانی که او برای انجام نوافل برگزیده بود، درست در خط مرزی بین دشمنان صهیونیستی و نیروهای مقاومت قرار داشت؛ جایی که انسان های عادی دچار تشویش و دلهره می گردند. خواب اندکی داشت و اصولاً ـ استراحت او در هنگامی صورت می گرفت که می خواست با ماشین از منطقه ای به ناحیه ای دیگر انتقال یابد، یعنی از وقتی که در این لحظات به دست می آورد، برای خواب و رفع خستگی بهره می گرفت.

با آنکه خیلی پرتلاش بود، از متاع دنیوی بسیار کم استفاده می کرد. در فعالیت های جهادی و عملیات رزمندگان حزب الله، ضمن برنامه ریزی های نظامی و انسجام نیروها، از دعا و توسلات غافل نمی شد. موقعی که دعای توسل و کمیل می خواندند، به شدت متأثر می گردید، ضجه می زد و از شدت گریه اش، حاضران نیز می گریستند.(۱)

مادرش نقل کرده است:

وقتی سید عباس چهارده ساله گردید، میل شدیدی به عبادت و راز و نیاز با خدا داشت و چون محل سکونت ما در مجاورت مسجد بود، او مدام بین خانه و این مکان عبادی رفت وآمد می کرد و در نماز جماعت حضوری مستمر و منظم داشت و در برنامه های مذهبی مسجد به هر نحو ممکن حضور می یافت و بر فراگیری برخی دروس، تلاوت قرآن و ادعیه روزانه در مسجد امام حسین(ع) اهتمام می ورزید و در این مدت با برخی از اهل علم و مؤمنان پیوند مودت و دوستی برقرار کرد.(۲)

---

۱- نشریه الذکر، (ویژه نامه سالروز شهادت شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی)، صص ۱۳ _ ۱۵.

۲- نشریه الذکر، (ویژه نامه سالروز شهادت شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی)، صص ۲۰ و ۲۱.

حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری، از سید عباس موسوی به عنوان علامه مجاهدی که هرگز خستگی و ملامت را نمی شناخت، سخن گفته و افزوده است:

او عالمی ربّانی و مخلص بود. آن پیشوای عالی مقام، علم و عمل را در هم آمیخت و تمسک به صدق، فداکاری و ایثار را سرلوحه کار خویش قرار داد، همان بنیادهایی که برای دست یافتن به هدف های مقدس، دفاع از اسلام و رویارویی با ستم آموزش می داد.(۱)

علامه سید محمدحسین فضل الله، دانشور برجسته لبنانی، نوشته است:

خداوند در دلش زیست، پس انسان ایمانی گردید. رسالت در وجودش ریشه دوانید و انسان اسلام گشت. آگاهانه تمام زندگی اش را با مسئولیت درآمیخت، پس انسان جنبش و حرکت گردید. امت در کل کیانش زندگی کرد، پس انسان انقلاب گشت و آن گاه به ملکوت اعلا پیوست. ملت مفهوم این سخن را دریافت که چگونه انسانی در حالی که برای آنها زندگی می کند، در مسیر حق و توحید بوده است.(۲)

## فرازهایی از فروتنی و مهربانی

فرازهایی از فروتنی و مهربانی

سید شهید شیفته فداکاران و مبارزان بود. همواره در تمام مسائل زندگی جویای حالشان بود و بعد از شهادت آنان بر مزارشان حاضر می شد. با دردهای آنان می زیست و شریک تمام غم های زندگی شان بود. در جمع سلحشوران و نیروهای مردمی به عنوان فردی بسیار مهربان شناخته شده بود. تمامی مشکلات آنان را با خود تقسیم می کرد. با روحیه فروتنی و

---

۱- پیام مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت سید عباس موسوی که در بهمن ۱۳۷۰ صادر فرموده است. (نک: جراید، ۲۸ و ۲۹ بهمن همین سال)

۲- تسلیت نامه علامه فضل الله به مناسبت شهادت او.

ساده زیستی، هرگز خود را از دیگران متمایز نمی دانست و به خود اجازه نمی داد که لحظه ای بالاتر از دیگر برادران دینی قرار گیرد، بلکه همواره یکی از آنان بود و در میانشان زندگی می کرد.

به دلیل قلب رئوفی که داشت، هرگاه کوچک ترین سختی برای دیگران رخ می داد و یا به هنگام شهادت یکی از دلیران مقاومت اسلامی، خیلی زود متأثر می شد و می گریست. شیفته شهادت بود و بر دل های شکسته و اندوهگین مرهم می نهاد و با خانواده های مصیبت دیده در فراق عزیزانشان هم دردی می کرد. زخم هایشان را التیام می بخشید. یتیمانشان را در آغوش می گرفت و دست مهربانی و عطوفت بر سرهایشان می کشید. اشک هایشان را از دیدگان و گونه ها پاک می کرد و گل لبخند بر لبانشان می نشانید.(۱)

همسر شهید شیخ راغب حرب گفته است: «آشنایی ما با سید عباس به روزهای اقامت او در نجف بازمی گردد. در آنجا بود که وی را شناختیم و در او فروتنی و پرهیزکاری و محبت به محرومان و یتیمان را مشاهده کردیم».(۲)

سید عباس در حالی که اقتدار معنوی و صلابت اجتماعی داشت و نفوذ سیاسی وی فوق العاده بود و نزد مقامات مهم کشوری و لشکری لبنان و برخی سرزمین های جهان اسلام آوازه خاصی داشت، از شدت تزکیه نفس، جویبارهای فروتنی را در دشت های انسانیّت جاری ساخته بود. در برابر شاگردانش چنان تواضع نشان می داد که تعجب همه را برمی انگیخت. در

---

۱- «سید شهیدان مقاومت اسلامی از زبان یارانش»، نشر العهد، ۱۳/۳/۱۹۹۲م، ش ۴۰۳.

۲- «سید عباس موسوی در سفر وداع به عامله»، نشر العهد، ۶/۳/۱۹۹۲م، ش ۴۰۲.

کشتزار وجودش حب به محرومان اعم از لبنانی و غیر آن به رویشی شکوهمند رسیده بود.(۱)

سید حسن نصرالله، دبیر کل کنونی جنبش حزب الله لبنان، در بیان ویژگی های سید شهید می گوید:

برای کربلاـ متولـد شـده بـود و امـام حسـین(ع) در قلبش می تپیـد. در رگ هـایش خـون خروش و خیزش می جوشـید. در دیـدگانش برای یتیمان و مسـکینان اشک حلقه می زد. با چشـمانش یتیمان را نوازش می داد و در حد توان بر زخم های آنان مرهم می نهاد. پیوسـته در فکر اسـیران و زنـدانیان روزگار می گذرانید، پیشاپیش همه حرکت می کرد و همواره در فشارهای زندگی حامی سلحشوران بود.(۲)

شیخ خلیل الصیفی، امام مسجد حنابله مذهب در بعلبک، یادآور شده است:

سیـد عبـاس بـا خوی مهربـان و صـمیمی که از حریر لطیف تر بود، هر کسـی را به سوی خود جـذب می کرد، به نحوی که در اولین دیدار با او، احساس می کردی از مدت ها قبل با او آشنایی. درباره اش سخن بسیار است، از کدامین خصالش بگویم، از تواضـعش، از اخلاـق، از جهاد، از ایمان یا اخلاصـش، از کـدا م یک؟ نصـیحت من این است که روش او برای کسانی که در وادی اسلام گام می گذارند، اسوه گردد.(۳)

مطران، رهبر مسـیحیان مارونی، در این باره می گویـد: قلبش سـرشار از ایمان بود. محبت، اراده اش را اسـتوار گردانیـد، امیـد، راهش را ثابت کرد. پس بر ماست که وی را به عنوان اسوه و پیشوا در استمرار مسیر پیامبران و شهیدان برگزینیم.

---

۱- نشریه الذکر، (ویژه نامه سالروز شهادت شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی)، ص ۱۱.

۲- «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۱۳.

۳- «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۳۱.

در وجودش سخنی قاطع، ایمانی ژرف، موضع گیری صریح و قاطع را لمس می کردم. در سیمایش نشانه ای از صدق، صفا، در آرا و افکارش متانت و ایمان می دیدم. با وجود مهربانی و فروتنی، عزم راسخش را در موضع گیری های او متبلور یافتم و این، کمترین چیزِ قابل بیان درباره آن سید شهید است؛ همان کسی که خونش را در راه خدا و طریق انبیا و وارثان برحق آنان تقدیم کرد.(۱)

## سخاوت و قناعت

سخاوت و قناعت

عبادت و تهجد به همراه تزکیه و صفای درونی، سید عباس را از انواع وابستگی های مادی و فناپذیر وارسته ساخت. از آنجا که دلش با نور ایمان، دانش و حکمت روشن گردیده بود، دیگر ظلمت زودگذر مادی و هدف های پست دنیوی نمی توانست بر قلب او غلبه کند. دستاورد این تحول روحی و معنوی آن بود که سید عباس از یک سو زندگی زاهدانه ای را برای خود برگزید و از سوی دیگر، با همگان سخاوتمندانه و کریمانه برخورد می کرد و البته در امدادرسانی به مردم و به ویژه افراد محروم و کم بضاعت، مراقب بود کرامت های انسانی و عزت افراد را مراعات کند.

شیخ حسن سلیمان در مقاله ای می نویسد: از صفاتی که در شخصیت سید شهید برجسته و شناخته شده بود، بخشش های اوست. در مدرسه بعلبک او پناهگاه راستین اشخاص بود؛ چون نوعی بصیرت درونی داشت. با رعایت حرمت افراد، جویندگان دانش را که دچار مشکلات مالی شدید بودند و در عین حال بر اثر شرمساری و حیا، به خود اجازه نمی دادند

---

۱- برگرفته از سخنان مطران سلیم بسترس در مراسم سوگواری برای سید شهید در شهر نبی شیث در تاریخ ۲۲/۳/۱۹۹۲م.

گرفتاری ها و تنگناها را آشکار سازند، شناسایی می کرد و نیازهایشان را برطرف می ساخت. در رفع ناگواری ها سرعت عمل داشت و درنگ را در این زمینه روا نمی دانست.

اگر برای این کارها امکاناتی در اختیار نداشت، با قرض گرفتن از دیگران در این راستا گام برمی داشت. در حالی که خود، از امکانات اندکی برخوردار بود و خانواده اش برای تأمین معاش با مشکلاتی روبه رو بودند و اجازه نداشتند از وجوهی که در اختیار اوست استفاده کنند و روزگارش در سطح عادی ترین افراد سپری می گشت، مراقب بود طلاب مدرسه با کمبودی روبه رو نگردند.(۱)

خانه اش در صور ساده و بی پیرایه بود، همچون خانه محرومان جنوب لبنان. هم نشین پیرمردی بود که از مشکلات روستایش می گفت. به دردهای همه به اندازه توان رسیدگی می کرد و خود را وقف مسائل و گرفتاری های مردم کرده بود. در آن زمانی که کمتر نشانه ای از بخشش و سخاوت به چشم می خورد، او کوشید دردها و زخم های امتی محروم و رنج دیده را التیام بخشد. جود و کرمش با نوعی وسعت نظر آمیختگی داشت، به گونه ای که قلبش گنجایش همه اندوه ها و دردهای مسلمانان جهان را داشت. با شخصیت های سیاسی، علمی و فکری جهان اسلام ارتباط برقرار می کرد تا شاید از این راه، باری از دوش امت مسلمان بردارد و

---

۱- نشریه الذکر، (ویژه نامه سالروز شهادت شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی)، ص ۱۴.

گشایشی در زندگی آنان به وجود آورد و او در این مسیر از هرگونه اقدامی دریغ نمی کرد.(۱)

سید حسن نصرالله می گوید:

ابو یاسر (سید عباس) وارث دودمان و آرمان و سلسله نسب بلندمرتبه رسول خدا بود؛ عالمی زاهد، عالمی عابد و انقلابی مجاهد و فقیری از تبار فقرا. هیچ خانه و ثروتی از خود بر جای ننهاد، مگر ساده ترین وسایل زندگی که گذر سال ها، فرسوده شان کرده بود و حتی کفایت ادای دیون وی را نیز نمی کرد. فروتنی، بی تکلف، دوستدار مسکینان و انیس فقیران بود.(۲)

## سید سلحشوران

سید سلحشوران

سید عباس که دل را متوجه خدا کرده بود، خود را به پایگاه استواری پیوند زد که شدیدترین توفان ها هم آن را به تلاطم وانمی داشت. این قدرت روحی و معنوی، وی را به انسانی شجاع، مقاوم، قاطع و پایدار تبدیل کرد. انس با فرهنگ عاشورا و حماسه حسینی و تأثیرپذیری از صلابت علوی، سید عباس را در مسیر فداکاری و جانبازی مصمم تر می کرد و در این راه خالصانه ترین تلاش ها را به کار گرفت تا آنکه خداوند متعال وی را مشمول فضل خویش ساخت و او را در زمره شهدا قرار داد.

سید عباس خود، چنین نغمه سرایی کرده است:

به خاطر تو ای خداوند بزرگ جان هایمان را ارزانی خواهیم کرد، فرزندانمان و همه چیزمان را تقدیم می کنیم. دنیا را با تمام آراستگی ها و زیور و آ ذین هایش رها می نماییم، باشد که این روندِ حرکت، پیوسته برقرار و مستدام گردد.(۳)

---

۱- «سید شهدای مقاومت اسلامی از زبان یارانش»، نشریه العهد، ۲۰/۳/۱۹۹۲م، ش ۴۰۴.

۲- «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۱۳.

۳- «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۵.

سید شـهید از همان دوران کودکی شـجاعت ویژه ای از خود نشان می داد که در کمتر کسـی به سن و سال وی یافت می شد. از روزگار نوجوانی با آراستگی به فضایلی چون دلیری و شهامت و استواری در راه حق، از دیگران متمایز می شد.

نمونه ای از پایـداری سـید را می توان در آزادسازی مسـجد و مدرسه ای در بعلبک از دست یکی از احزاب ملی دید. او برای تربیت شـاگردانی شایسـته و دلاـور، ساختمان دارالایتام، محلی در منطقه رأس العین بعلبک را اجاره کرد، ولی بر اثر فشارهای مادی، سید خود را در برابر تصمیم گیری های دشوار در تنگنا یافت که ساده ترین آنها آزادسازی مدرسه ای است که مرحوم شیـخ حبیب آل ابراهیم ساخته و زیر سـیطره یکی از حزب های محله ای قرار گرفته بود. ایشان توانست با درایت و پایداری در موضع گیری هـایش، پس از آنکه بزرگـان این شـهر را به حمایت خویش درآورد، مسـجد و مـدرسه را در اختیار گرفت و به تکمیـل آنهـا پرداخت. همـان جـایی که پس از یورش صـهیونیست ها در سال ۱۳۶۱ش به تکیه گـاه مهمی برای فعـالیت های حزب الله تبدیل شد.

سیـد در مسیر مبـارزه و ایثـار، سـمبل حرکـتی آرامش ناپـذیر و اراده ای نسـتوه بـود و هرگز خسـتگی را نمی شـناخت و طعم استراحت را کمتر می چشید.

در آن هنگام که همه خود را شـکست خورده می پنداشـتند و صـداها خاموش و فضای نومیـدانه ای بر ذهن ها چیره شده بود، فریاد سید به همراه برخی یاران فداکارش در آسمان لبنان طنین افکند و بارقه های امید را بر دل ها

دمید. کوشید هاله وحشت و هراس را که مردم دچارش بودند، از بین ببرد و به مردم اعتماد به نفس بدهد.

سید نمی توانست برخی صحنه های ذلت و خواری مردم را ببیند، به همین دلیل با تشکیل هسته های مقاومت و انجام برخی عملیات نظامی، به مردم ثابت کرد این دشمن در اندازه ای نیست که شرایط غم انگیز و شکست های پیاپی را به شما تحمیل کند. جوانان دلیر و مجاهد ما می توانند به آسانی آن را نابود سازند. مردم وقتی پیروزی های نیروهای مسلمان و مؤمن را دیدند، در فضای جدید، از روحیه همراه با زبونی فاصله گرفتند و از آن پس به خیابان ها می آمدند و دشمنان متجاوز و غاصب را به مبارزه می طلبیدند. در این مراحل، دشمن استهزا شد و حتی کودکان در خیابان ها دشمن صهیونیستی را دچار فشارهای عصبی کرده بودند؛ همان دشمنی که ارتش چندین کشور از آن هراس داشت.(۱)

سید عباس و جهاد و دفاع همزاد بودند، هرگاه نام مجاهدان به میان می آمد، او از زمره پیشتازان بود که بدون هیچ تأمل و تشویشی با دشمنان صهیونیست به مبارزه برمی خاست. هرگاه مدافعان دلاور در طلب شهادت از یکدیگر سبقت می جستند، او را در صفوف خود می دیدند، عزم و همتشان را جزم می کرد، معنویتشان را بالاـ می برد و در رسیدن به لقاءالله از آنان پیشی می گرفت، به مبارزه پی درپی عادت داشت، به ویژه در سنگرهای مقدّم در

---

۱- «مصاحبه با سید شهید»، مجله الوحده الاسلامیه، ۱۴/۱۲/۱۹۸۷م، ش ۶۷.

رویارویی با اشغالگران در این راه از زمان اشغال، لحظه ای از مبارزه دست نکشید.

## صلابت در سخن

صلابت در سخن

شهید موسوی با توجه به تحصیلات علوم دینی و مطالعات اسلامی، همچنین هوش و نبوغ ذاتی به خوبی می دانست که با چه منطق و شیوه ای به نشر حقایق تشیع بپردازد، از ارزش ها دفاع کند، توطئه ها و نقشه های دشمنان گوناگون را افشا سازد و مخاطب را به رشد معنوی و آگاهی سیاسی و اجتماعی برساند.

مواعظش از قلبی برمی خاست که برای خدا خاضع شده و سالیان با ذکرها و عبادت ها صیقل خورده بود. در سخنانش برای دوستان و مظلومان، امیدواری موج می زد، ولی گفتارش برای صهیونیست ها و کارگزاران استکبار چون صاعقه ای رعب آور بود. خبرنگار ایندی پندنت گفته بود:

سید عباس آدم ترسناکی نیست و در سخنانش نوعی شوخ طبعی نمایان است. آنچه نگران کننده است و خود او بی تردید نشانه ای از رضایت خواهد پنداشت، این است که هیچ نوع شک و تردید درباره اظهارات، گفتار و کردارش وجود ندارد.(۱)

سید عباس امام جماعت مسجد امیرالمؤمنین(ع) بعلبک بود. این مکان عبادی، پایگاه جوانان پرشور حزب اللهی نیز به شمار می رفت. ماه محرّم که فرا می رسید، بعد از نماز، نوحه ها، سخنرانی ها و راهپیمایی ها شور و هیجانی وصف ناشدنی در مردم به وجود می آورد. وقتی نوحه ها و سینه زدن ها با ریتم های تند و آرام، ضربی و ملایم، فضای عاشورایی به وجود می آورد، آنگاه همه در انتظار سخنوری توانا بودند. ناگهان با طنین صلوات حاضران

---

۱- «استراتژی حزب الله»، هفته نامه بعثت، ۱۰/۱/۱۳۷۱، شماره مسلسل ۶۳۴، ص ۶.

سید عباس وارد می گردید، زمزمه ها و همهمه ها به سکوتی محض تبدیل می شد، چشم ها به سوی او و گوش ها در انتظار شنیدن کلام آتشین او.

با لهجه ملیح عربی و آ هنگی پرصلابت سخن را آغاز می کرد. از سالار شهیدان و مسیری که عاشورای حسینی در امتداد تاریخ ترسیم کرده و خونی که از چشمه های نینوا می جوشد، روایت می کرد. سخنانش چنان تأثیرگذار بود که تا عمق جان ها و روان ها نفوذ می نمود. در گفته هایش، به اوضاع سیاسی جهان اسلام، تجاوزها و توسعه طلبی های صهیونیسم، جنایت های اشغالگران قدس و حمایت های دولت های غربی و ارتجاع سران کشورهای عربی اشاره هایی آشکار داشت.

این گونه سخنرانی های پرشور و انقلابی که با دیدگاه ها و تحلیل های سیاسی جالبی همراه بود، در پایان نیز به کربلا پیوند زده می شد. این بار سید عباس از سنگدلی دشمن و مظلومیت سالار شهیدان و شهادت او با لب تشنه و درس مقاومت حسین بن علی(ع) سخن می گفت و کلام خود را با چند دعا به پایان می برد که با آمین هایی برآمده از دل های شکسته و نگاه های به اشک نشسته حاضران، همراه می شد. وقتی مراسم به پایان می رسید، جوانان گِردِ آن قله استقامت و چشمه عطوفت حلقه می زدند، با وی دست می دادند، او با همه گرم و صمیمی برخورد می کرد. آنگاه پس از این دیدار سرشار از شوق و نشاط، سید در حلقه شیفتگان از مسجد بیرون می رفت.(۱)

## اهتمامی با اهمیت

اهتمامی با اهمیت

---

۱- جواد محدثی، «دمی با خورشید بعلبک»، از ساحل به دریا، صص ۷۷ _ ۷۹.

در همان ایامی که سید عباس در نجف از محضر مربی عالیقدری چون شهید صدر بهره می برد، خلاقیت ها و ابتکارهای این سید، چنان نظر آن مرجع مجاهد را به خود جلب کرد که مسئولیت های تبلیغی و ترویجی به مناسبت ایام محرّم و رمضان را بر عهده وی و برخی از برادرانش می گذاشت. آن شهید برای ترویج و بزرگداشت مراسم مذهبی در میان مردم و دمیدن روحی تازه در برخی مفاهیم دینی که به تدریج به نوعی تقلید کورکورانه مبدّل گشته بود، همه ساله به لبنان می آمد.

سال ۱۹۸۷م. آخرین باری بود که سید شهید برای تجدید خاطره عاشورا در اذهان به لبنان می آمد در همان سال، مأموران امنیتی عراق به قصد دستگیری وی، به خانه اش یورش بردند. بعد از بالا گرفتن جریان دستگیری ها و بازداشت های پیاپی علما و طلاب حوزه علمیه نجف اشرف، سید عباس ناگزیر در لبنان ماند و دیری نپایید که همسرش نیز بعد از فروش بعضی از وسایل خانه به وی پیوست. بدین ترتیب، تلاش های تعلیماتی و ارشادی او در سرزمین لبنان شکل فزاینده و گسترده ای به خود گرفت.

## فصل پنجم: فرجام ماجرا

### اشاره

فصل پنجم: فرجام ماجرا

زیر فصل ها



### بوی بهشت از کرانه عشق

بوی بهشت از کرانه عشق

شهید سید عباس موسوی از پروردگار متعال چنین می خواست: «خداوندا! من و همسرم و فرزندانم را به فیض شهادت در راه دین مقدس اسلام برسان تا اهل ولایت حقیقی باشیم.» همسرش امّ یاسر نیز همواره دعا می کرد: «خدایا! از تو می خواهم اگر قرار است سید عباس شهید شود، با هم به این فیض برسیم».

امّ یاسر وقتی به زیارت بارگاه حضرت امام رضا(ع) در مشهد مقدس رفت، از پیشگاه حضرت ثامن الحجج نیز این موضوع را با اصرار درخواست کرد و در وصیت نامه اش نوشت: «ای امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف فرزندانم را به شما می سپارم».

آن سیده شهیده در رؤیایی دید با همسرش در اتومبیلی بود، که عده ای سربازان اسرائیلی جلوشان را می گیرند و قصد تعدی و شرارت دارند.(۱) در

۱- هفته نامه بعثت، ۱۰/۱/۱۳۷۱، شماره مسلسل ۶۳۴، ص ۷؛ نشریه الذکر، ص ۱۷.

این مـاجرا نیز سـید عبـاس درس بزرگی به مبـارزان و مجاهـدان داد و گفت که خودتان، همسـران و فرزنـدان خویش را برای شهادت آماده کنید.

منتظر امـام مهـدی عـج الله تعالی فرجه الشـریف چنین تربیت می شود و بایـد به حماسه کربلا تأسّـِی جست که امام حسـین(ع) همراه خانواده اش به نبرد با ستمگران رفت و سرانجام، خودش شهادت را برگزید و اهل بیتش اسارت را.

## آخرین سخنرانی، وداع آخر

آخرین سخنرانی، وداع آخر

۲۷ بهمن سال ۱۳۷۰ شمسی / ۱۶ فوریه ۱۹۹۲م. با هشـتمین سالگرد شهادت شیخ شهیدان لبنان، روحانی مجاهد، راغب حرب همزمـان بود. سـید عبـاس در حـالی که همسـرش امّ یاسـر و کودک پنـج ساله اش حسـین را با خود همراه داشت، بنا بر عادت همیشگی صبح زود از خانه بیرون رفت تا با عده ای از نیروهای مقاومت، دوستان و شاگردانش به قصد گرامی داشت یاد شیخ راغب حرب، به سوی شهر جبشیت حرکت کند.

سید عباس در مراسم تجلیل از ایثارگری ها، خدمات علمی، فرهنگی و تبلیغی شـیخ راغب حرب به سخنرانی پرداخت که طنین فریاد مظلومیت و پایمردی جبل عامل بود و درحقیقت مرامنامه شـیعیان این سامان به شمار می رفت. او در این سخنان که وداع آخرش بود، از علی(ع) و همـدردی امیر مؤمنـان با محرومان جامعه سـخن گفت و افزود: ما پیروان آن امام همام، نبایـد در راه خدمت به گروه هایی که در فشارهای سیاسـی و اقتصادی به سر می برند، اهمال بورزیم، به ویژه اهتمام ورزیدن برای مردمانی که کارنامه درخشان و پربار علمی و فرهنگی دارند و به اسـلام و جامعه مسلمانان خدمات گرانبهایی کرده اند، اجری افزون تر خواهد داشت.

او در سخنانش هرگونه سازش با زورگویان و متجاوزان صهیونیستی را خیانت معرفی کرد و افزود: گفت وگو با آنهایی که فقط زبان سلاح را می فهمند، از نظر ما مطرود است و هر کس تن به این ذلت دهد، کارنامه ای ننگین از خود به یادگار خواهد گذاشت.

حاضران شعار می دادند: انقلاب، انقلاب اسلامی، مقاومت، مقاومت. سید گفت: «فریادتان را بلند کنید تا خائنان به امت مسلمان لبنان و فلسطین صدایتان را بشنوند.» مردم با سر دادن تکبیر و شعار مرگ بر سازشکاران، سخنان او را تأیید کردند. سپس سید عباس به مشکلاتی که برای جنوب لبنان به وجود آمده و نیز شکاف طبقاتی در جامعه لبنان اشاره کرد و از تبعیضی که دولت وقت درباره شهروندانش اعمال می کند، به شدت انتقاد نمود.

سپس افزود: همان گونه که حضرت علی(ع) به ستم و بی عدالتی رضایت نمی داد، ما هم نباید این روش ها را تحمل کنیم و فریاد زد در سالروز شهادت شیخ راغب حرب و بر منبر شیخ شهیدان و از مسجد جامع شهر جبشیت اعلام می کنیم و با فریاد بلند می گوییم همان گونه که با متجاوزان به نبرد پرداخته ایم، با اهمال کاری های مغرضانه و رفتارهای دوگانه در تصمیم گیری های کارگزاران حاکم بر لبنان مبارزه می کنیم. این گفته ها نیز با تکبیر حاضران تأیید شد.

آخرین جمله هایی که بر زبان آورد، اینها بود: در پایان با امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف پیمان می بندیم، همان گونه که با شیخ الشهدا، روح امام عزیزمان امام خمینی رحمه الله، رهبر فرزانه ایران آیت الله سید علی خامنه ای و اُسرایمان در فلسطین پیمان می بندیم و نیز با تمام اولیای الهی پیمان می بندیم که در راه مقاومت با اشغال گری های اسرائیل و اهمال کاری های دولت وقت لبنان ثابت قدم بمانیم

تا کلمهالله هی العلیا گردد و کلمه السفلی للذین کفروا. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.(۱)

## روایت شهادت

روایت شهادت

سید عباس بعد از این سخنرانی افشاگرانه و تاریخی به کنار مزار شهید شیخ راغب حرب رفت و پس از تجدید میثاق با روح پاک آن شهید، خواندن فاتحه و زیارت اهل قبور، دستش را روی مرقد او گذاشت و به احمد، فرزند شیخ نگریست و خطاب به وی گفت: «وصیتی داری که بخواهی برای پدرت برسانی؟» سپس به دیدار اسیر آزاد شده از زندان صهیونیست ها یعنی شیخ عبدالکریم رفت و برای سلامتی او و مادرش دعا کرد.

محافظان سید متوجه بالگردهای جنگی اسرائیلی می شوند که حالت عادی نداشتند. این را به سید می گویند، شهید موسوی می گوید: مگر ترسیده اید؟ آنان با حالتی از مزاح و شوخی می گویند: اگر شما از این ماجرا بیمی ندارید، ولی ما زن و بچه داریم. سید خم می شود، سنگی را از زمین برمی دارد و به دست فرزند پنج ساله اش سید حسین می دهد و می گوید: با این سنگ آن بالگردها را هدف قرار ده.

بعد سید به طرف بیروت حرکت می کند، همسرش امّ یاسر و فرزندش همراهش بودند؛ چون سید پیش بینی کرده بود همراه اعضای خانواده اش به فیض شهادت خواهد رسید. بعد به منطقه ای به نام تفاحتا می رسند که ناگهان بالگردهایی که با دستگاه های هدایت شونده الکترونیکی در حال حرکت بودند، از راه می رسند و ماشین حامل سید را موشک باران می کنند. دو

---

۱- آخرین سخنرانی سید عباس موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۱۲/۱۳۷۰، ش ۳۷۰۵، ص ۱۸.

محافظی که سید را همراهی می کردند، به شدت می سوزند، ولی شهید نمی شوند؛ شهید موسوی به آنان گفته بود: کسی از همراهانم کشته نمی شود.(۱)

## گزارش جنایت، از زبان خلبان اسرائیلی

گزارش جنایت، از زبان خلبان اسرائیلی

یکی از چهار خلبانی که مجری جنایت ترور شهید موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان بود، بعد از شانزده سال در بهمن ۱۳۸۶، واقعه به شهادت رساندن وی را چنین شرح داد: ما قصد داشتیم سید عباس موسوی را برباییم و این عملیات به دستور مستقیم ایهود باراک، رئیس ستاد ارتش وقت رژیم صهیونیستی، صورت گرفت، ولی چون شکست خوردیم، از فرماندهی دستوری گرفتیم مبنی بر اینکه هرچه سریع تر تمامی اعضای کاروان همراه سید عباس موسوی هدف حملات موشکی و گلوله باران قرار گیرند.

سه ساعت طول کشید تا اجرای دستور لازم را برای پرواز به سوی هدف آغاز کردیم. ضمن آنکه یک تیم متشکل از نیروهای امنیتی، در داخل لبنان به طور دقیق تحرکات سید عباس را در نظر داشتند. ما ابتدا اطلاعاتی درباره آغاز حرکت کاروان دریافت کردیم. بی درنگ به سوی هدف پرواز نمودیم تا فرصتی را از دست ندهیم. زمانی که دو بالگرد برای یورش به سوی کاروان، در حال حرکت بودند، دو بالگرد دیگر به سمت ساحل لبنان حرکت می کرد تا در صورت تغییر مسیر ناگهانی کاروان به سوی کرانه مدیترانه، آنها را در این قسمت به دام اندازیم.

---

۱- برگرفته از گزارش سفر گروهی از اعضای انجمن قلم ایران به لبنان، روزنامه کیهان، ۱۰ و ۱۴ مهر ۱۳۸۶؛ مجله شاهد، بهمن ۱۳۷۵، ش ۲۶۱، ص ۶.

بعد از ده دقیقه کاروان حامل خودروهای مشکی رنگ و یک دستگاه جیپ حامل محافظان سید عباس شناسایی گردید. خودرو حامل سید عباس که از قصد ما آگاه شد، چندین بار برای گمراه کردن ما، مسیر خود را در درون کاروان تغییر داد به گونه ای که ما موفق نشدیم خودرو حامل وی را تشخیص دهیم. در این لحظه با فرماندهی تماس برقرار کردیم. موضوع را به آگاهی آنان رساندیم. در پاسخ دستور داده شد تمام کاروان را با خاک یکسان کنیم تا خیالمان از هدف اصلی راحت شود.

بالگردهایی که خلبانان آنها در ایالات متحده امریکا آموزش دیده بودند، موشک نخست را شلیک کردند که به انفجار نخستین خودرو و سرنگونی آن منجر شد. اگرچه بالگرد من از چند ناحیه زمین هدف گلوله قرار گرفت، موفق شدیم از صحنه بگریزیم. پس از فرود، از طریق رسانه های گروهی باخبر شدیم که موسوی، اعضای خانواده و برخی همراهانش به قتل رسیده اند. اگرچه می دانستیم شخص مهمی را باید هدف قرار دهیم و در واقع چگونگی حرکت و تعداد خودروهای کاروان هم دلیلی بر آن بود، به ما گفته نشد این شخص مهم دبیر کل حزب الله است.

بعدها اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل انتقادهای زیادی از تصمیم گیران به طرح ترور موسوی گرفت؛ زیرا قرار بود با هدف آزادی رون اراد خلبان مفقودی ارتش اسرائیل در ازای آزادی سید عباس موسوی، وی ربوده شود، ولی این ترور بر اثر شکست آن طرح انجام شد که با تأیید مستقیم موشه آرنز، وزیر جنگ وقت پیش رفت.(۱)

---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی www.qodsna.com

## تشییع جنازه ای باشکوه

تشییع جنازه ای باشکوه

به دنبال شهادت رهبر حزب الله، لبنان یک پارچه اعتراض و خشم گردید و در ماتمی جانکاه فرو رفت. در روز شهادتش ده ها هزار نفر از مسلمانان از دورترین نقاط دنیا و حتی مهاجران مسلمان در امریکا و اروپا برای تشییع پیکر سید عباس موسوی در لبنان به پا خاستند.(۱) از سوی مقام معظم رهبری هیئتی عالی رتبه به سرپرستی آیت الله جنتی برای شرکت در مراسم تشییع جنازه سید عباس موسوی عازم بیروت شد. براساس برآورد خبرگزاری های منطقه ای و بین المللی و غربی، هزاران نفر در دو طرف مسیری به طول بیست وپنج کیلومتر که راه بین بعلبک و نبی شیث است، جمع شدند. آنها پیکر رهبر حزب الله را از بعلبک به سوی قرارگاه ابدی وی یعنی شهر نبی شیث تشییع کردند.

روزنامه الدیار نوشت: تشییع کنندگان بنا بر تخمین منبعی از حزب الله بالغ بر یک میلیون نفر بودند، در حالی که خبرنگاران، تعداد آنها را ۷۵۰ هزار نفر یاد کرده اند. روزنامه الحیاه(۲) در این باره نوشت: احساسات و هیجان مردم در طول مسیر، کمتر از صحنه شهادت سید در جنوب لبنان نبود که پس از پیمودن راهی طولانی پیکرش به سوی زادگاهش تشییع شد.

سید شهید در زندگی و شهادتش بزرگ بود و از خلال تشییع پیکرش عمق سپاسگزاری و تجلیل از ارزش معنوی بالایی که آن شهید سعید از آن برخوردار بود، نمایان شد. این تشییع که لبنان تاکنون همانند آن را ندیده، استثنایی و خودجوش بود؛ برنامه ای که تمام گروه های انقلابی، ملی، اسلامی و فرقه ای لبنان در آن شرکت و از آن شهید قدردانی کردند.

---

۱- فصل نامه یاد، ۱۳۷۱، ش ۲۶، ص ۲۶۰.

۲- ۱۹/۲/۱۹۹۲م.

## پیام های تسلیت

پیام های تسلیت

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، به مناسبت شهادت سید عباس موسوی پیامی صادر فرمود که در آن آمده بود:

با کمال تأثر و نهایت تأسف خبر شهادت مظلومانه علامه مجاهد و ایثارگر را دریافت داشتیم. حجت الاسلام سید عباس موسوی رهبر ایثارگر حزب الله لبنان که با همسر و فرزندش بر اثر یورش وحشیانه صهیونیست های اشغالگر به درجه شهادت نائل آمد.

رحمت خدا نثار این عالم ربانی دلیر، مخلص و آگاه و نفرین خدا و بندگانش بر جمیع صهیونیست های خیانت کار باد که از ارتکاب فجیع ترین جنایت ها جهت دستیابی به اهداف پست و اشاعه فساد و استمرار تجاوزگری ها و اشغالگری ها ابا نمی کنند و لعنت خدا بر حامیان تبهکارشان و مستکبرینی که از این گونه جنایت در حق بی گناهان چشم پوشی می کنند که این گونه جنایت ها و عملکردها روز به روز نقاب از چهره ضد انسانی این جنایت کاران و خبث طینتشان برمی افکند و چهره واقعی شان را عیان می نماید... .

این شخصیت عظیم در این راه [اهداف مقدس عالی] به فیض شهادت نائل گردید و شاهد سعادت ابدی را در آغوش کشید و بی گمان ملت مسلمان لبنان و مظلومان فلسطین راه وی را ادامه خواهند داد... .

خون پاک این مرد بزرگوار و خانواده اش که مظلومانه و بی هیچ گناهی بر زمین ریخته شد، همانا موجب جدیت بیشتر و پایداری هرچه افزون تر مقاومتِ برحق ملت لبنان و فلسطین بر ضد رژیم اشغالگر صهیونیستی خواهد گردید و من به مناسبت این مصیبت دردناک شهادت عالم جلیل القدر، جناب سید عباس موسوی که جهاد خالصانه اش را تا مرز شهادت پیمود، مراتب تسلیت و همدردی خود را به ملت مسلمان لبنان و نیروهای حزب الله و مقام رهبری آن و خانواده شهید مظلوم و یاران و همه دوستدارانش تقدیم می دارم... .(۱)

---

۱- روزنامه های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی، ۲۸ بهمن ۱۳۷۰.

علامه سید محمدحسین فضل الله، روحانی برجسته لبنانی نیز به این مناسبت تسلیت نامه ای صادر کرد که در بخش هایی از آن یادآور شده بود:

علامه مجاهد سید عباس موسوی در میدان کارزار و صحنه مقاومت اسلامی به شهادت رسید و همچنان که با سلاح کلمه و موضع گیری می جنگید، همان طوری که جنگ علیه اسرائیل را هدایت می کرد، او در راه اصیل جهادگرانه ای که امام خمینی آن را باز کرده بود، به شهادت رسید و از پایدارترین مردانی بود که از این خط مشی اسلامی با به کارگیری تمام توش و توان خویش به دفاع برخاست و همواره در عشق شهادت به سر می برد.

به درستی که رهسپار مسیر شهادت گشتی و ما در این طریق به سوی تو گام برمی داریم، این شهادت و علوّ مقام اسلامی گوارای وجودت باد! همانا که دل هایمان در آتش درد فراق تو می گدازد و اشک خون از اندوه فقدان تو می باریم، اما همواره در برابر شهادت تو سرافراز و سربلندیم... .(۱)

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله نیز در پیام تسلیت خود نوشته بود:

سرور ما و همسر و فرزندش را کشتند، اما شهادت همچون زندگی اش اگر نگوییم عظیم تر، بسیار عظیم بود. شهادت سید ما و خانواده اش قدرت بیداری ای داشت که چندین عملیات جهادی از مقاومت ناتوان آن است. به درستی که حادثه به شهادت رسیدن سید شهید آن هم با این روش، دلایل متعددی را شامل می شود و از آنجایی که این واقعه بسیار بزرگ تر از آن چیزی است که مورد تصور و مشاهده ماست، نمی توان با یک سخنرانی و گزارش و نطقی در اینجا و آنجا به بیان آن پرداخت. من از نزدیک شاهد جسد بدون سر، بدون دست و بدون پا و اجساد مُثله شده و سوخته سید و همسر و پسر کوچکش بودم. این کیفیت شهادت و با این روش های شنیع، از

---

۱- «شهادت رهبر میلاد امت»، صص ۱۱ و ۱۲.

جمله آن مفاهیمی است که نشانه عظمت اینان نزد خداوند سبحان است و بر علوّ مقام معنوی شان دلالت دارد.

به زودی دستاورد پربار این شهادت در سراسر جهان اسلام نمایان خواهد شد، همچنان که بازتاب این شهادت عظیم در داخل فلسطین اشغالی و نزد تمامی مسلمانان در سراسر منطقه به منصه ظهور رسیده است و به زودی دشمن اسرائیلی درخواهد یافت که مرتکب بزرگ ترین حماقت در تاریخ درگیری با ملت های مسلمان گشته است.(۱)

شیخ راشد الغنوشی، روحانی مبارز تونسی، نیز در پیامی که از شهر ژنو سوئیس در این باره مخابره کرد، گفت:

به راستی که این مصیبت وارده در مؤمنین و آزادگان به طور عموم، عظیم و جبران ناپذیر است و درد و خشم، دل هایشان را می فشارد؛ ازآن روی که مجاهد دعوت کننده و پیشوای ملی و الگوی اسلامی را ترور کردند و او همانا برادرمان سید موسوی است. به راستی در این مصیبت بزرگ چیزی ما را تسلّی نمی بخشد، مگر ایمان و یقینمان به قداست و حقانیت قضیه ای که سید عباس، خود و خانواده اش را در راه آن قربانی نمود و آن همانا قضیه آزادسازی سرزمین لبنان و سرزمین فلسطین از دست اشغال صهیونیست هاست.(۲)

## گسترش شعله های مقاومت و تقویت اقتدار حزب الله

گسترش شعله های مقاومت و تقویت اقتدار حزب الله

شهادت دبیر کل حزب الله نقش زیادی در شعله ور شدن روحیه جهادی و گسترش دایره آن داشت. صهیونیست ها به دلیل حماقت همیشگی و تفکر مادی گرایانه، در آن زمان می پنداشتند با از بین رفتن دبیر کل مقاومت به زودی پیکر مقاومت حزب الله نیز در هم خواهد شکست یا تضعیف می شود، ولی به قول شهید دکتر فتحی شقاقی، بنیان گذار جهاد اسلامی فلسطین، حزبی که

---

۱- نشریه الذکر (ویژه نامه سالگرد شهادت شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی)، ص ۶.

۲- از پیام راشد غنوشی رهبر حرکت و نهضت تونس که در ژنو در تاریخ ۱۹/۲/۱۹۹۲م صادر کرد، نشریه العهد، ۲۰/۳/۱۹۹۲، ش ۴۰۴.

دبیر کل آن به شهادت برسد، هرگز شکست نخواهد خورد. وی این جمله را زمانی بر زبان آورد که خبر شهادت سید عباس را شنید. دشمن غافلگیر شد؛ زیرا کسی که بعد از سید عباس رهبری را به عهده گرفت، تواناتر، برجسته تر و غیرتمندتر بود و روحیه جهادی قوی تری داشت. پیروزی های افتخارآفرینی که نصیب حزب الله شد، تجلی اراده خداوند بود که می خواست لبنان مظلوم و حزب الله را موفق کند. سید عباس که مردی اندیشمند و متعهد بود، توانست حزب الله را به جایگاه محکم و شایسته در صحنه سیاسی لبنان برساند و از رزمندگان مقاومت اسلامی مردانی شجاع، با شهامت و اهل ایثار و فداکاری بسازد.

او نیز از شایستگی های اخلاقی، سیاسی و مدیریتی فراوانی برخوردار بود و اگر اقدام های خالصانه سید عباس نبود، حزب الله این چنین رشد نمی کرد. سید حسن نصرالله تربیت شده مکتب این سید مظلوم و وارسته است. به موازات فعالیت های نظامی رزمندگان مقاومت اسلامی و قبل از صدور بیانیه رسمی اعلام موجودیت، سران و بنیان گذاران حزب الله برای سازماندهی تشکیلات خود و یافتن یک چهارچوب سیاسی که بتواند در آینده روحانیان و شخصیت های سیاسی مبارز را هماهنگ و منسجم کند، به تلاش خود ادامه دادند.

در این زمینه کمیته ای نه نفره از علمای بزرگ شیعه و شخصیت های مستقل تشکیل شد و با انتشار بیانیه ای تعهد خود را به ولایت فقیه و جنگ با اسرائیل غاصب اعلام کرد. این کمیته هیئتی پنج نفره را به نام «شورای لبنان» به ریاست شهید سید عباس موسوی تشکیل داد و آن را برای ملاقات با امام خمینی رحمه الله و کسب تکلیف شرعی از محضر ایشان به تهران اعزام کرد. این

هیئت در دیدار با امام، هدف ها و برنامه های خود را شرح داد و سپس با ایشان بیعت کرد.

امـام خمینی رحمه الله، ولی امر مسـلمین، این شورا را تأییـد کرد و از اعضـای آن خواست، راهشان را ادامه دهنـد. شورای پنج نفره بعـد از بـازگشت به بیروت، کـار سازمانـدهی و تهیه پیش نویس اسـاس نـامه حزب الله و هماهنگی همه بخش ها و گروه هـای وابسـته را آغـاز کرد. همه فعـالیت هـا و برنـامه هـا در قـالب حزب الله و خـدمت به رزمنـدگان مقـاومت و عملیـات ضـد صهیونیستی متمرکز شد.

از ابتدای تأسـیس حزب الله و آ غاز مقاومت اسـلامی در لبنان، سید حسن نصرالله در این تشکل فعالیت های فراوانی داشت. او در سال ۱۹۸۵م مسـئولیت حزب الله منطقه بقـاع را بر عهـده گرفت و بعـد از دو سال به بیروت آمـد و مسـئول حزب الله در آن شهر شد. دیری نپایید که شورای اجرایی حزب تشـکیل گردید و در سال ۱۹۸۷م مسئولیت آن را به سید حسن نصرالله واگذار کردند.

در پی حادثه شهادت سید عباس موسوی، در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲م / ۲۷ بهمن ۱۳۷۰، به اتفاق آرای اعضای شورای مرکزی حزب، سید حسن در حالی که تنها ۳۲ سال داشت، به دبیر کلی انتخاب شد.

سیـد حسن، زمانی که ریاست شورای اجرایی را بر عهـده داشت، روابط گسترده ای با نیروهای مردمی و طرف داران حزب الله برقرار کرده بود که این روابط می توانست، یک پارچگی حزب را پس از شهادت سید عباس موسوی حفظ کند.(۱)

سید عباس با ویژگی های برجسته شخصیتی خود و با انگیزه پاک و شگفت و در جایگاه انسانی زاهد، عابد، مهربان و مظلوم و در عین حال

---

۱- شاهد یاران، ویژه نامه بزرگداشت سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله، مهر ۱۳۸۵، ش ۱۱، صص۱۰، ۱۱ و ۵۱.

انقلابی و مطیع ولایت فقیه، در مقام رهبری حزب الله توانایی های سید حسن را می دید و در شرایط مقتضی به شکوفایی شکوهمند می رسید. او با بهره گیری از بصیرت معنوی و هوشیاری ذاتی احساس می کرد، در میان شخصیت های اثرگذار حزب الله، تنها کسی که می تواند مسیر او را ادامه دهد، سید حسن نصرالله است تا آنکه سید عباس به شهادت رسید. کشته شدن او با آن وضع فاجعه آمیز شور و هیجان خاصی به پا کرد و تأثیر عجیبی بر ارتقای جایگاه او و مظلومیت و برحق بودن حزب الله گذاشت و آن را به اوج محبوبیت رسانید.

اینک زمانی است که این تشکل دارای ابهتی بالا و جذابیتی شگفت انگیز در قلب شیعیان لبنان و بلکه شیعیان جهان است و در چنین شرایطی سید حسن نصرالله جانشین سید عباس می شود. حادثه دیگری که در شناساندن شخصیت والای سید حسن و ارتقای حزب الله اثرگذار بود، شهادت سید هادی نصرالله فرزند ارشد سید حسن نصرالله در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۷م در رویارویی با اشغالگران صهیونیست در ارتفاعات جبل الرفیع در جنوب لبنان بود. نظامیان غاصب اسرائیلی پیکر او را ربودند وبه فلسطین اشغالی منتقل کردند که سرانجام، بدن پاک سید هادی در جریان مبادله اسیران حزب الله و اسرائیل، به لبنان بازگردانده شد.

شکوهمندترین بخش کارنامه حزب الله در زمان دبیر کلی سید حسن نصرالله که بسیار افتخارآفرین و تاریخ ساز بود، جنگ ۳۳ روزه تابستان سال ۱۳۸۵ شمسی است که همگان نقش اساسی و سرنوشت ساز او را، در رهبری حیرت انگیزش می دانند.(۱)

---

۱- شاهد یاران، ویژه نامه بزرگداشت سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله، مهر ۱۳۸۵، ش ۱۱، صص ۲۲ و ۲۳.

## فصل ششم: گزیده ای از دیدگاه ها و سخنان

### اشاره

فصل ششم: گزیده ای از دیدگاه ها و سخنان

زیر فصل ها



### ارتباط با خداوند تا ابدیت

ارتباط با خداوند تا ابدیت

چگونه ما می توانیم ارتباط واقعی بین بشر و خداوند را نادیده بگیریم؟ هر مسلمان ارتباط ویژه ای با خداوند برقرار می کند. مسلمانان به پیروی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این رابطه را نوعی ذوب شدن و فنا در وجود حق تعالی می دانند. در همان حال هر مسلمان مؤمن می داند که وجودش در این جهان پرده ای میان او و خداوند است و این دنیا و جلوه هایش هیچ ارزشی ندارد.

در جهان دیگر بشر تا ابد نزد خداوند زندگی می کند. سعادت و زندگی ابدی در آنجاست. احساس رضایت از خود و آرامش فکر و خیال در سرای دیگر تحقق می یابد. وقتی که مسلمان به این مرحله از شعور، آگاهی و معرفت رسید، می

کوشد همه سدهای موجود بر سر راه ابدی شدن را بشکند و راه شکستن این موانع، شهادت است. آیا به یاد نمی آوری مسلمانی را که پایگاه تفنگ داران امریکایی را در اینجا (لبنان) نابود کرد، چگونه توصیف

شده بود؟ آنها می گفتند هنگامی که وی می خواست انفجار را عملی کند، لبخندی بر سیمایش نقش بسته بود.(۱)

## اتکال به خدای متعال، رمز پیروزی

اتکال به خدای متعال، رمز پیروزی

ما از هیچ کس جز خداوند طلب بخشایش نمی کنیم. وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مکه خارج شد (و به سوی مدینه هجرت کرد) تنها بود و همه با او دشمنی می ورزیدند، ولی او با تکیه بر نیروهای معنوی و اتکال به خداوند متعال پیروز شد و پروردگارش او را از گزند حوادث نگه داشت.

امام خمینی رحمه الله از آغاز نهضت خود، در جهان بیرون هیچ پشتیبانی نداشت، ولی او با قدرت در برابر شاه و امریکا ایستاد. او زندانی و سپس تبعید شد و هوادارانش به زندان افتادند و بسیاری از آنان را کارگزاران رژیم پهلوی کشتند، ولی سرانجام به یاری خداوند او پیروز گردید. وقتی امریکاییان و فرانسوی ها برای مداخله در لبنان به اینجا آمدند، ما توانستیم به حیات خود ادامه دهیم. آیا قدرت بزرگ تری از رژیم صهیونیستی، امریکا، فرانسه، ایتالیا و مسیحیان مارونی وجود داشت؟ با این وصف ما در برابر آنان ایستادیم. آری، روزی که ما به کسی جز خداوند معتقد شویم و تکیه کنیم، همان روز شکست خورده ایم.(۲)

## جبل عامل لبنان، سرچشمه معرفت و مقاومت

جبل عامل لبنان، سرچشمه معرفت و مقاومت

جبل عامل در بطن خود قوّت و صلابت و مبارزه را نهفته است، محلی که هزاران عالم، ادیب، شاعر و مجاهد در طول تاریخ از آن قد علم کرده اند و

---

۱- «استراتژی حزب الله در گفت و گو با سید عباس موسوی»، هفته نامه بعثت، ۱۰/۱/۱۳۷۱، شماره مسلسل ۶۳۴، ص ۴.

۲- «استراتژی حزب الله در گفت و گو با سید عباس موسوی»، هفته نامه بعثت، ۱۰/۱/۱۳۷۱، شماره مسلسل ۶۳۴، ص ۶.

ده ها انقلاب از آنجا برخاسته و در مقابل دشمنانی چون عثمانی ها و استعمارگری فرانسویان و غاصبان صهیونیست مقاومت کرده است.

جبل عامل به وسیله شیخ بهایی، ایران را و با شهید اول و ثانی و شهید حکیم و آیت الله صدر، عراق را و به همت سید محسن امین، سوریه را نورانی کرد و به سرزمین های مقدس اسلامی نور و رحمت فرستاد. از پیام تو ای شیخ شهدا (راغب حرب) و از پیام تو ای جبل عامل، مواضع خود را اعلام می کنیم و می گوییم مواضع ما در برابر اشغال، همانند جهت گیری ما در برابر بی توجهی هایی است که به شیعیان لبنان شده است.(۱)

## توطئه صهیونیسم و مظلومیت فلسطین

توطئه صهیونیسم و مظلومیت فلسطین

حرکتی شبه پارتیزانی از سال ۱۹۴۸م. پا گرفت که از سوی یهودیان کامل و استکبارستیزان جهانی و در رأس آنها انگلستان در آن زمان حمایت شد تا آنکه به یک دولت نظامی تبدیل شد و جنگ هایی را بر منطقه تحمیل می کرد. سپس به طرف مناطق عربی خاورمیانه گسترش یافت.(۲)

اسرائیل غاصب از خلال تسلطش بر فلسطین، در منطقه ای محوری قرار گرفت، جایی که آسیا را به افریقا متصل می کند. ازاین رو، در این ناحیه ریشه دوانید تا جهان عرب و اسلام را از یکدیگر جدا کند. امریکا از طریق کنفرانس (به اصطلاح) صلح می خواهد رژیم صهیونیستی را یک دولت عادی مانند دیگر کشورهای عربی و اسلامی وانمود کند و حقوقی برابر با حقوق دیگر کشورها برایش در نظر بگیرد. ما برخلاف برخی رژیم های عربی که موضعی واخورده در برابر توطئه های صهیونیست ها دارند، برای شکست این

---

۱- «آخرین سخنرانی سید عباس موسوی»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۱۲/۱۳۷۰، ش ۳۷۰۵، ص ۱۸.

۲- نشریه العهد، ۴/۵/۱۹۹۰م، ش ۳۰۶.

دشمن و از بین بردن طرح های توسعه طلبانه اش، به جهاد و مقاومت روی آورده ایم؛ مقاومتی که در میان فلسطینی ها جایگاه پیشرفته ای به دست آورده است و در قلب دولت اسرائیل نفوذ کرد و مسلمانان در سراسر جهان به آن امیدوارند.(۱)

## دفاع از دیانت، راهی سخت و طولانی

دفاع از دیانت، راهی سخت و طولانی

بر ماست که مسئولیتمان در برابر خداوند را متعهدانه بر دوش گیریم. به درستی که درگیری با استکبار و پیروانش راهی طولانی و تلخ است؛ راهی سخت و دشوار، ولی هیچ خونی باارزش تر از خون امام حسین(ع) و اهل بیت او نیست. پس بر ماست که از چیزی در راه خدا فروگذار نباشیم و برای یاری دین اسلام از هر آنچه داریم، دریغ نورزیم.(۲)

## ایران و وحدت مسلمانان

ایران و وحدت مسلمانان

طرح وحدت میان امت مسلمان جهان و اهتمام به مسائل مسلمانان که جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد، مهم ترین عنصر قدرت برای جهان اسلام بوده و ایران اسلامی تنها جایگزین حقیقی نظام های پوسیده شرق و غرب است.(۳)

## امام خمینی و انقلاب اسلامی

امام خمینی و انقلاب اسلامی

امام خمینی جهان و افراد بشر را سرشار از شکوفایی، حیات و انقلاب کرد. او معنای زندگی و وجودمان شده است. امام یاور و مونس ما در تمام سفرها و غربت هایمان بود. ارتحالش از اعماق وجود تکانمان داد. مصیبت بزرگی

---

۱- نشریه العهد، ۴/۵/۱۹۹۰م، ش ۳۰۶، نیز: ۱۸/۵/۱۹۹۰م، ش ۳۰۸.

۲- نشریه العهد، ۱۹/۴/۱۹۹۰م، ش ۳۰۴.

۳- امام و انقلاب در آیینه اندیشه جهان، ج ۲، ص ۱۰۰.

است، ولی ما امتی هستیم که تربیتمان کرده است. مؤمنان سراسر جهان، کرامت و عزت خود را وامدار او هستند.(۱)

خبر رحلت امـام، رهبر بزرگ جهـان اسـلام، قلب همه را شـکست، کمرهـا را خم و چشم ها را اشک بار کرد؛ چرا که در این برهه سـرنوشت ساز به رهبری و رهنمودهای الهی وی نیازمند بودیم. انقلاب شکوهمند اسلامی که پایه های محکم آن را امام خمینی رحمه الله بنیان نهاد، پایگاه ملت های آزادی خواه و مسـلمانان محروم جهان باقی خواهد ماند و ما فرزندان امام خمینی و امت حزب الله در لبنان، با تقدیم تسلیت قلبی خود، در این مصیبت بزرگ با خدای خویش پیمان می بندیم که در راه هدف های بزرگ آن رهبر پایدار بمانیم.(۲)

## شهید سید محمدباقر صدر

شهید سید محمدباقر صدر

شهید آیت الله سـید محمدباقر صدر پرده از اسـلامی عظیم و اندیشه ای آرمانی برافکند، اسلام را به عنوان فکری جهان شمول که مسائـل زنـدگی را بـا تمام جنبه های آن دربرمی گیرد، مطرح کرد. او در دسـته بنـدی های موضوعی، با تک تک اندیشـه هـای مخالف و متضاد با اسـلام برخورد می کرد. ویژگی های علمی اسلام را از خلال جهاد خویش آشکار ساخت و خود را در راه اسلام قربانی کرد.(۳)

## منابعی برای پژوهش های افزون تر

منابعی برای پژوهش های افزون تر

۱.جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، جلد ۵ و ۸ ، قم، نورالسجاد، چاپ اول، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷.

---

۱- «امام در قلم فرزندانش»، العهد، ۲۳/۶/۱۹۸۹م، ش ۲۶۱.

۲- جهان در سوگ، ج ۱، ص ۹۴.

۳- از سـخنان سید شهید در بزرگداشت شهید صدر در مشغره (بقاع غربی) در ۱۸/۳/۱۹۹۰م، برگرفته از: «شهادت رهبر میلاد امت»، ص ۲۳.

۲.مباحث کشورها و سازمان های بین المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳.عزت شیعه، دفتر دوم، مجموعه مصاحبه ها درباره امام موسی صدر، به کوشش: محسن کمالیان و علی اکبر رنجبر کرمانی، قم، صحیفه خرد، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۴.نشریه العهد (ارگان حزب الله لبنان)، شماره های ۱۲۹، ۱۷۳، ۲۰۹، ۲۶۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۴.

۵.نشریه المجاهد، شماره ۱۲۹.

۶.نشریه الوحده الاسلامیه، شماره ۶۷.

۷.پایگاه های اینترنتی:

۱. www.aviny.com

۲. www.hawzeh.com

۳. www.qodsna.com

## فصل هفتم: با برنامه سازان

### اشاره

فصل هفتم: با برنامه سازان

زیر فصل ها

سخن نخست

محورهای برنامه سازی

سؤالات مسابقه ای

سؤالات کارشناسی

### سخن نخست

سخن نخست

با تأسف، تلاش های سید عباس موسوی در نظر مردم و حتی برخی نهادهای فرهنگی _ تبلیغی، در سطح فعالیت های مدیریتی و رزمی حزب الله لبنان منحصر و تصور شده او گروه های مقاومت را ضمن نظارت، تربیت می کرد و با آنان در صحنه های نبرد با اشغالگران، همگامی و همراهی داشته است.

بدیهی است، اینها بخشی از کوشش های آن بزرگوار است. او نزد شخصیت های برجسته ای چون امام موسی صدر، شهید سید محمدباقر صدر، آیت الله خویی، شیخ راغب حرب، علامه سید محمدحسین فضل الله و شیخ محمدمهدی شمس الدین درس خوانده و به شکوفایی علمی و معرفتی رسیده است. بر اثر توانایی های درونی و اهتمام وی در راه رشد علمی و فکری خود، در علوم نقلی و عقلی نیز به موفقیت های والایی دست یافت و بی جهت نیست که مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای از او به عنوان علامه مجاهد، عالم جلیل القدر، عالم ربانی و شخصیتی عظیم نام می برد.

بُعد دیگر زندگی سید عباس مربوط به خودسازی، تزکیه و تهذیب نفس و عبادت و شب زنده داری اوست. آن بزرگوار، در این مسیر نیز به چنان موفقیت های درخشنده و کم نظیری دست یافت که مزرعه وجود را برای رضایت حق تعالی از هرگونه آلودگی پیراست و نهال اخلاص، صدق و صفا، فداکاری، وارستگی، زهد و قناعت در دل و ذهن و روح و روانش به رویش شکوهمندی رسید. بنابراین، سید عباس یک فرد نظامی و سیاسی یا انسانی که از دست صهیونیست ها به دلیل اشغال سرزمینش عصبانی شده باشد، نبود. اینها لایه هایی از شخصیت ارزنده علمی و معنوی اوست.

آن شهید با اهدافی عالی و مقدس و برای دفاع از اسلام و ارزش های دینی قیام کرد و در برابر ستم، تجاوز و اشغالگری ایستاد. رفتارهای سیاسی و موضع گیری های استراتژیکی او برخاسته از بصیرت معنوی، معرفت و فراستش بود و شجاعت، شهامت، استواری و استقامتش در مقابله با دشمن و افتخارهای او در دوره دبیر کلی حزب الله، همه ریشه در ایمان، تقوا و اخلاص او داشت.

شهید موسوی ارادتی معرفت آمیز به ساحت خاندان عترت و طهارت(ع) داشت و این علاقه و شوق را در موضع گیری های سیاسی و اجتماعی بروز داد. از حماسه های عاشورا و قیام حضرت امام حسین(ع) و صلابت و شجاعت علوی بسیار متأثر بود. فرهنگ مهدویت و مفهوم عمیق انتظار در زندگی او حضوری فعال و عمیق داشت، به پیروی از ولیّ فقیه که نخست در امام خمینی و سپس در وجود آیت الله سید علی خامنه ای متبلور شد، سخت پایبند بود و با اجازه امام خمینی هسته های اولیه مقاومت و حزب الله را به وجود آورد.

ظرفیت فکری و روحی فوق العاده او از دیگر ویژگی های مهم شخصیتی اوست. این خصلت برجسته موجب شد، به تمام مسائل جهان اسلام و نهضت های رهایی بخش مسلمانان بیندیشد و با همه مسلمانان جهان همدردی کند و برای گره گشایی از معضلات آنان تمامی توان های فکری، تبلیغی، معنوی و تجربه های رزمی و سیاسی خود را به کار گیرد و با شخصیت های مهم دنیای اسلام ارتباط برقرار کند.

همین ویژگی سبب می شد تا افسانه شکست ناپذیری صهیونیستی و یا تعادل استراتژی غاصبان صهیونیست را در هم بشکند و این دشمن خطرناك را که از سوی مستکبران جهانی حمایت می شد، با بی توجهی بنگرد.

مردمی بودن، صداقت، صفای باطن، ساده زیستی، پایداری و استواری در اعتقادات، صراحت و قاطعیت سید عباس موجب شد نه تنها دوستان و آشنایان، شاگردان و حامیانش فضیلت های انسانی و اخلاقی او را الگو قرار دهند، پیروان دیگر مذاهب و فرقه ها، رؤسای حزب های گوناگون و حتی دشمنان و مخالفان نیز سجایای اخلاقی او را ستوده اند.

بنابراین، شایسته است در برنامه سازی، به محورهای گوناگونی از زندگی علمی، تبلیغی و جهادی وی توجه و ان شاءالله آن شهید بزرگوار از مظلومیت های بسیار خود خارج شود.

## محورهای برنامه سازی

محورهای برنامه سازی

۱. بررسی زندگی سید عباس در دوران کودکی، هنگام تحصیل در لبنان و نجف اشرف؛

۲. پیونـد فکری و سیاسـی شـهید موسوی با شـهید سـید محمـدباقر صـدر، امام موسـی صدر و شـیخ راغب حرب و علامه سـید محمدحسین فضل الله؛

۳. بررسـی دیـد گاه هـای شـهید موسوی دربـاره ولا‌یت، رهبری امام خمینی رحمه الله، جمهوری اسـلامی ایران و مسائل جهان اسلام؛

۴. دغدغه های فکری سـید عباس موسوی درباره شـیعیان لبنان، مردم مظلوم فلسـطین و نهضت ها و جنبش های اسـلامی دیگر مناطق جهان اسلام؛

۵. مصاحبه با سـید محمدحسین فضل الله، سید حسن نصرالله، شیخ عبدالکریم عبید و حجت الاسلام محمدحسن رحیمیان و نیز گفت وگو با برخی از اعضای خانواده وی مانند خواهرش، لیلی موسوی درباره این شخصیت؛

۶. بررسی های دقیق و مستند درباره چگونگی شکل گیری حزب الله لبنان و نقش سید عباس موسوی در این زمینه؛

۷. کندوکاوی در تلاش های علمی، فرهنگی، آموزشی و تبلیغی شهید موسوی؛

۸. معرفی آثار سید عباس موسوی.

## سؤالات مسابقه ای

سؤالات مسابقه ای

۱. شهید سید عباس موسوی در کدام شهر لبنان دیده به جهان گشود؟

الف) بعلبک (ب) بیروت (ج) بنی شیث (د)جبشیت (

۲. نقطه عطف گرایش سید عباس موسوی به کسب علوم و معارف اسلامی بر اثر ملاقات با چه شخصیتی بود؟

الف) سید محمدحسین فضل الله (ب) شیخ راغب حرب (

ب) شیخ سید شعبان (ج) امام موسی صدر (

۳. سـید عباس موسوی با الهام از اندیشه ها و ابتکارات کدام شخصـیت به ترویج فرهنگ تشیع و احیای هویت دینی و فرهنگی لبنان پرداخت:

الف) امام خمینی رحمه الله (ب) شرف الدین (

ج) شهید مطهری(د) شهید سید محمدباقر صدر (

۴. شهید موسوی حوزه علمیه امام منتظر را در کدام یک از شهرهای لبنان تأسیس کرد؟

الف) بعلبک (ب) تفاحیه (ج) ضاحیه (د) بقاع غربی (

۵. بعد از شهادت چه شخصیتی سید عباس موسوی در شهر جبشیت مستقر گردید؟

الف) دکتر فتحی شقاقی ( ب) شهید صدر (

ج) شیخ راغب حرب (د) شیخ سعید شعبان (

۶. همسر سید عباس چه نام داشت؟

الف) ام یاسر(ب) ام خلیل(

ج) بنت الهدی صدر(د)ربابه صدر(

۷. سید حسن نصرالله در چه شهری با سید عباس موسوی آشنا گردید؟

الف) بیروت (ب) نجف (ج) بعلبک (د) صیدا (

۸. سید عباس علت محرومیت جنوب لبنان و حبل عامل را چه می دانست؟

الف) محرومیت امکانات این منطقه (

ب) فشارهای رژیم صهیونیستی (

ج) اهمال و کوتاهی کارگزاران دولت لبنان (

د) دوران استعمارگری فرانسه در لبنان (

۹. سید عباس امام خمینی رحمه الله را چگونه معرفی می کرد؟

الف) خیمه ای که در سایه اش پناه می گرفتیم(

ب) کرامت مؤمنان سراسر جهان مدیون اوست(

ج) امام، بشریت را سرشار از شکوفایی نمود(

د) تمام موارد (

۱۰. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای سید عباس را چگونه شخصیتی معرفی کرد؟

الف) علامه مجاهد (ب) عالم ربّانی(

ج) رهبر ایثارگر حزب الله (د) تمام موارد (

## سؤالات کارشناسی

سؤالات کارشناسی

۱.سید عباس در نوجوانی، در دفاع از مردم فلسطین چه برخوردی داشت و چه اتفاقی برایش افتاد؟

۲.در حوزه نجف شهید موسوی بیشتر از چه شخصیتی تأثیر پذیرفت و ارتباطش با او در چه عرصه هایی بود؟

۳.حوزه درسی آیت الله خویی برای سید عباس چه جاذبه هایی داشت؟

۴.ارتباط سید عباس با امام موسی صدر و شهید شیخ راغب حرب در چه زمینه هایی بود؟

۵.سید عباس بعد از تحصیلات نجف و آمدن به لبنان چه اقدام مهمی انجام داد و چه ثمراتی داشت؟

۶.از دیدگاه شخصیت های برجسته لبنانی سید عباس چه خصال برجسته ای داشت؟

۷.سید عباس چگونه حزب الله لبنان را بنیان نهاد؟

۸.چگونه سید حسن نصرالله به جانشینی سید عباس به عنوان دبیر کل حزب الله منصوب گردید؟

۹.رویکردها و عملکردهای مهم شهید موسوی در ارتباط با جنبش ها و حرکت های اسلامی در جهان اسلام چه بود؟

۱۰.سید عباس درباره اوضاع لبنان و فلسطین چه دیدگاهی داشت؟

۱۱.مناسبات حزب الله با رهبری و انقلاب اسلامی ایران چگونه بود؟

۱۲.سید عباس موسوی چرا و چگونه به شهادت رسید؟

## کتاب نامه

### الف) کتاب ها

۱.آفاق اسلام، دومین اجلاس سراسری مدیران سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۲.اسلامی، غلامرضا، غروب خورشید فقاهت، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳.امام خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۴.امام و انقلاب در آینه اندیشه جهان، تهیه و تدوین روابط عمومی سازمان بهزیستی مازندران، قم، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۵.اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی شهید صدر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۶.جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم، نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۷.جهان در سوگ (پیام تسلیت رهبران، سازمان ها و شخصیت های جهان به مناسبت رحلت امام خمینی(ره))، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

ص:۱۰۶


۸.چمران، مصطفی، لبنان، تهران، بنیاد شهید چمران، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۹.حسینی حائری، سید کاظم، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه و پاورقی: حسن طارمی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۰.رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی (مجموعه مقالات و رویدادهای همایش بزرگداشت امام خمینی در لبنان، ترجمه: علی داستانی بیرکی، تهران، عروج، ۱۳۷۹.

۱۱.ساجدی، احمد، مشاهیر سیاسی قرن بیستم، تهران، محراب قلم، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۲.سلیم، عزّالدین، الامام الشهید محمدباقر الصدر رائد حرکت التغییر فی العراق، من منشورات المجلس الاعلی الثوره الاسلامیه فی العراق، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ . ق.

۱۳.حزب الله لبنان، شهادت رهبر میلاد امت، دفتر تهران، بی تا.

۱۴.کمالیان، محسن، عزت شیعه(۲)، با همکاری علی اکبر رنجبر کرمانی، قم، صحیفه خرد، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۵.محدثی، جواد، از ساحل به دریا، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۶.من شیخ شهداء المقاومه الی سید شهداء المقاومه (الذکر)، لبنان، بی تا.

۱۷.موسوی، سید عباس، علما ثغور الاسلام فی لبنان، بیروت، دارالمرتضی، چاپ اول، سال ۲۰۰۰ میلادی.

۱۸.نادری سمیرمی، احمد، لبنان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۹.نعمایی، شیخ محمدرضا، الشهیده بنت الهدی سیرتها و مسیرتها، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ . ق / ۱۳۷۱.

۲۰.نعیم قاسم، حزب الله لبنان (خط مشی، گذشته و آینده آن)، ترجمه: محمدمهدی شریعتمدار، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۱.یادواره علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، تهران، نشر شاهد، چاپ اول، ۱۳۶۹.

## ب) مقالات

۱.داعیان، جواد، «حزب الله خط مقدم دفاع از امت اسلامی»، روزنامه قدس، ۱۸ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۵۳۴۷.

۲.صبا، هادی، «حزب الله لبنان مدافع ایران»، روزنامه همشهری، ۲۴ مرداد ۱۳۸۳، شماره ۳۴۶۶.

۳.علیخانی، مهدی، «شکل گیری و مقاومت اسلامی جنبش حزب الله لبنان»، ویژه نامه دیدار (ضمیمه جام جم)، ۵ مرداد ۱۳۸۵، شماره ویژه نامه ۱۴.

۴.نعیم قاسم [شیخ]، «آینده حزب الله لبنان»، روزنامه اطلاعات، ۲۴ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۲۳۷۰۲.

## ج) گفت وگوها و گزارش ها

۱.استراتژی حزب الله در گفت و گو با سید عباس موسوی، هفته نامه بعثت، سال سیزدهم، شماره مسلسل ۶۳۴، دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۷۱.

۲.امام در قلم فرزندانش، نشریه العهد، شماره ۲۶۱، ۲۳/۶/۱۹۹۲ م.

۳.دانش و تفنگش را بر دوش کشید و امین گردید، نشریه العهد، شماره ۳۹۸، ۲۱/۲/۱۹۹۲م.

۴.سید شهدای مقاومت اسلامی از زبان یارانش، نشریه العهد، شماره ۴۰۳، ۱۳/۳/۱۹۹۲ م.

۵.سید شهدای مقاومت اسلامی در سفر وداع به عامله، نشریه العهد، شماره ۴۰۲، ۶/۳/۱۹۹۲م.

۶.سید عباس آن چنان که شناختمش، وحید سوید، نشریه العهد، شماره ۳۹۸، ۲۱/۲/۱۹۹۲م.

۷.علامه سید محمدحسین فضل الله از لبنان می گوید، مأخذ قبل.

۸.گزارش سفر گروهی از اعضای انجمن قلم ایران به لبنان، به کوشش زهره یزدان پناه قره تپه، روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۰ مهر و شنبه ۱۴ مهر ۱۳۸۶.

۹.گفت وگوی اختصاصی با سید عباس موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۲۸۷۸، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۸.

۱۰.گفت وگوی کیهان با پنج شخصیت سیاسی منطقه درباره پیروزی مقاومت، روزنامه کیهان، شماره ۱۶۸۱۵، ۱۲/۳/۱۳۷۹.

۱۱.مصاحبه با سید عباس موسوی، مجله الوحده الاسلامیه، شماره ۶۷، ۴/۱۲/۱۹۸۷ م.

۱۲.مصاحبه سید شهید با نشریه العهد، شماره ۱۷۳، ۲۴/۲/۱۴۰۸ ه_ . ق.

### د) سخنرانی ها

۱.آخرین سخنرانی شهید سید عباس موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۷۰۵، ۲۵/۱۲/۱۳۷۰.

۲.سخنان شهید سید عباس موسوی در روز ارتحال امام خمینی در شهر بعلبک لبنان، نشریه العهد، شماره ۲۵۹، ۹/۶/۱۹۸۹م.

۳.سخنرانی سید شهید درباره کارنامه مقاومت و عملیات شهادت طلبانه، نشریه العهد، شماره ۲۰۹ و ۲۳۰، ۱۰/۱۱/۱۴۰۸ و ۹/۴/۱۴۰۸.

۴.سخنرانی شهید دکتر فتحی شقاقی دبیر کل حرکت جهاد اسلامی در فلسطین نشریه المجاهد، شماره ۱۲۹، ۲۱/۲/۱۹۹۲م.

## ه_) نشریات

۱.روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۷۰۸، ۲۸/۱۲/۱۳۷۰.

۲.شاهد یاران، شماره ۱۱، مهر ۱۳۸۵.

۳.فصل نامه حضور، شماره ۳۲.

۴.فصل نامه یاد، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۱.

۵.ماهنامه شاهد، شماره ۲۶۱، بهمن ۱۳۷۵.

۶.ماهنامه شاهد، شماره ۳۰۹، بهمن ۱۳۷۹.

۷.رونامه اطلاعات، شماره ۲۳۲۵۹، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

۸.دو ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۱۸۳، ۲۳ /۱۲/ ۱۳۶۵.

۹.ماهنامه مکتب اسلام، آبان ۱۳۸۳، شماره ۸ ، سال ۴۴.

۱۰.ماهنامه مبلغان، شماره ۶۳، محرم ۱۴۲۶ ه_ . ق.

## و) منابع الکترونیکی و اینترنتی

۱.شرح واقعه ترور سید عباس موسوی توسط خلبانی صهیونیستی سایت: www.qodsna.com.

۲.شرح حال سید عباس موسوی سایت: www.fawikpediaorg.

ص:۱۱۰

۳.خاطرات حجت الاسلام پناهیان از سید عباس موسوی سایت: www.ariny.com.

۴.شهید سید عباس موسوی مبلغی مبارز و خستگی ناپذیر سایت: www.hawzeh.net.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹